

چشم‌انداز باستان‌شناسی په‌نه آبگیر سد بلوین، شهرستان ایجرود، زنجان

Archaeological Landscape of the Balvabin Dam Reservoir Area, Ijrud County, Zanjan Province

Fatemeh Farshi Jalali^{1*}, Hamed Molaie kordshooli²

فاطمه فرشی جلالی^{۱*}، حامد مولایی کوردشولی^۲

¹ Iranian Center for Archaeological Research (ICAR), Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Iran. Corresponding author: f.farshijalali@richt.ir

^۱ پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ایران. نویسنده مسئول: f.farshijalali@richt.ir

² Arjan and Chega Sofla Cultural Heritage Base, Iran.

^۲ پایگاه میراث فرهنگی ارجان و چگاسفلی، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله
با گسترش روزافزون طرح‌های عمرانی، به‌ویژه در حوزه ساخت و توسعه زیرساخت‌هایی همچون سدها، لزوم توجه به ملاحظات فرهنگی و میراثی در مراحل اولیه طراحی و مکان‌سنجی پروژه‌ها، بیش از پیش اهمیت دارد. بررسی‌های باستان‌شناسی، به‌عنوان بخشی از مطالعات پایه، روشی مناسب برای شناسایی، مستندسازی و حفاظت از محوطه‌ها و داده‌های فرهنگی - تاریخی محسوب می‌شوند. در این راستا، در سال ۱۳۹۴، به‌منظور بررسی آثار فرهنگی - تاریخی در محدوده آبگیر سد بلوین در استان زنجان، بررسی میدانی گسترده‌ای صورت گرفت. منطقه مورد مطالعه در جنوب‌شرقی شهرستان ایجرود و در حاشیه رودخانه قزل‌اوزن واقع شده است. این محدوده دارای ویژگی‌های طبیعی و اقلیمی متنوعی شامل دشت‌های کوچک میان‌کوهی و ارتفاعات کوهستانی است و از منابع آبی دائمی بهره‌مند است. این عوامل جغرافیایی و محیطی در شکل‌گیری و تداوم استقرارهای انسان این منطقه در دوره‌های مختلف نقش مهمی ایفا کرده‌اند. در جریان این بررسی، نوزده محوطه و تپه باستانی شناسایی شد که بر اساس یافته‌های سطحی بازه‌ای زمانی از دوران تاریخی و اسلامی (دوره اشکانی و ساسانی تا سده‌های متأخر دوران اسلامی) را در برمی‌گیرند. یافته‌ها شامل قطعات متنوعی از سفال‌های شاخص، آثار معماری و شواهدی از فعالیت‌های معیشتی و زیستی است که بیانگر تنوع فرهنگی و پیوستگی استقرار در این منطقه است. تحلیل داده‌های حاصل از این بررسی، افزون بر معرفی و مستندسازی محوطه‌های شناسایی شده، امکان بازسازی نسبی الگوهای استقراری در حوزه میانی رودخانه قزل‌اوزن را فراهم می‌سازد و بر اهمیت این منطقه در مطالعات باستان‌شناسی شمال‌غرب ایران تأکید دارد.	<p>تاریخ‌ها دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۸ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۳</p> <p>واژگان کلیدی زنجان بلوین بررسی باستان‌شناسی دوران تاریخی دوران اسلامی</p>

Abstract: The rapid expansion of development projects—particularly large-scale infrastructure such as dams—has underscored the importance of integrating cultural heritage assessments into the early stages of planning and site selection. As a core component of environmental and feasibility studies, archaeological surveys provide essential tools for identifying, documenting, and preserving cultural and historical resources. In 2015, a systematic field survey was carried out in the proposed reservoir area of the Balvabin Dam in Zanjan Province, northwestern Iran. The study area, situated in the southeastern part of Ijrud County along the Qezel Owzan River, encompasses a varied landscape of intermontane plains and mountainous terrain, sustained by permanent water sources—environmental features that have historically supported long-term human occupation. The survey led to the identification of 19 archaeological sites and mounds, with surface materials indicating continuous settlement from the Parthian and Sasanian periods through the Late Islamic period. The assemblage includes diagnostic pottery sherds, architectural remains, and evidence of domestic and subsistence activities, all pointing to a complex cultural landscape and long-term occupation. Beyond documenting the locations and characteristics of these sites, the data enable a partial reconstruction of settlement patterns in the middle basin of the Qezel Owzan River. This study highlights the archaeological significance of the region and its broader relevance to understanding long-term human habitation and cultural continuity in northwestern Iran.

History

Received: Oct. 29, 2024

Accepted: Dec. 13, 2024

Keywords

Zanjan
Balvabin Dam
Archaeological Survey
Historical Period
Islamic Period

استناد: فرشی جلالی، فاطمه، مولایی کوردشولی، حامد (۱۴۰۳). «چشم‌انداز باستان‌شناسی په‌نه آبگیر سد بلوین، شهرستان ایجرود، زنجان». باستان‌شناسی، ۴ (۳): ۷۴-۵۳.

<https://doi.org/10.22034/4.3.4>

© ۱۴۰۳ (۲۰۲۴) نویسندگان مقاله، مجله باستان‌شناسی، مجله پژوهشکده باستان‌شناسی ایران.

مقدمه

در تابستان سال ۱۳۹۴، بررسی باستان‌شناختی محدوده آبیگر سد خاکی بلوین با هدف شناسایی، مستندسازی و تحلیل الگوهای استقرار در این منطقه صورت گرفت. هدف اصلی این مطالعه، دستیابی به درکی جامع از توزیع فضایی محوطه‌های باستانی، نوع و دوره‌های استقرار و همچنین شناخت تعاملات فرهنگی و الگوهای زیستی جوامع گذشته در این پهنه جغرافیایی بود. پهنه آبیگر سد بلوین، با وسعتی بالغ بر ۲۰۹۳۳۰ هکتار، بخشی از زیرحوضه رودخانه قزل‌اوزن به‌شمار می‌رود که در نهایت به دریای کاسپی می‌ریزد. سد بلوین، سازه‌ای خاکی با هسته رسی است که طول تاج آن ۲۹۵ متر، حجم بدنه آن ۲۵/۲ میلیون مترمکعب و ارتفاع آن از بستر رودخانه ۴۷ متر است.

ساختگاه سد مخزنی بلوین در ۵۷ کیلومتری جنوب شهر زنجان و ۱۱ کیلومتری شمال‌شرقی شهر حلب قرار دارد. منطقه مورد مطالعه، با وسعتی حدود ۴۲ کیلومتر مربع، شامل دره‌ها، تپه‌ماهورها و ارتفاعات اطراف رودخانه‌های اوزون‌دره، سجاجسود و خوئین است. این منطقه از دیرباز محل استقرار و فعالیت‌های معیشتی، آیینی و اجتماعی گروه‌های انسانی مختلف بوده و شواهد متعددی از این حضور در قالب محوطه‌های باستانی، تپه‌ها و گورستان‌ها به‌جا مانده است. در این پروژه، با بهره‌گیری از روش بررسی منطقه‌ای به‌صورت پیمایشی نظام‌مند و هدفمند، کلیه آثار سطحی باستان‌شناختی شناسایی و ثبت شدند. مراحل کار شامل تعیین دقیق محدوده مطالعه، طراحی شبکه بررسی بر مبنای تقسیم‌بندی مربعی (شکل ۱)، انجام پیمایش‌های میدانی منظم، مستندسازی یافته‌ها، برداشت مختصات جغرافیایی با دستگاه GPS و تحلیل داده‌ها در محیط نرم‌افزار GIS بوده است. از اهداف فرعی این پژوهش می‌توان به استخراج الگوهای فضایی استقرار، شناسایی پیوستگی یا گسست فرهنگی میان دوره‌های مختلف، بررسی نحوه بهره‌برداری از منابع طبیعی و بازسازی سیمای فرهنگی - زیست‌محیطی منطقه در ادوار گوناگون اشاره کرد. با توجه به گستردگی موضوع در این نوشتار تنها به معرفی آثار شناسایی شده پرداخته خواهد شد.

بررسی محدوده آبیگر سد بلوین به شرح زیر انجام گرفت:

۱- تعیین محدوده موردبررسی: محدوده مورد مطالعه (آبیگر سد بلوین) به‌طور دقیق تعیین گردید.

۲- طراحی شبکه بررسی: محدوده موردبررسی بر اساس یک شبکه مشخص (شبکه مربعی با ابعاد مشخص) طراحی و تقسیم‌بندی شد (شکل ۱).

۳- بررسی میدانی: در مرحله بعد، گروه به‌طور منظم و روشمند به بررسی پیمایشی سطح زمین در هر شبکه پرداخت و تمام شواهد و یا آثار باستانی را شناسایی نمود.

۴- ثبت و مستندسازی: کلیه یافته‌ها و اطلاعات جمع‌آوری‌شده در طی بررسی پیمایشی به‌طور دقیق مستندنگاری گردیده است.

۵- تحلیل و تفسیر: در نهایت، اطلاعات و داده‌های جمع‌آوری‌شده مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفت تا بتوان به شناخت بهتری از محوطه‌های باستانی و الگوهای استقرار در محدوده مورد مطالعه دست یافت.

این روش امکان شناسایی و مستندسازی محوطه‌های باستانی در مقیاس گسترده را فراهم می‌کند و نتایج آن می‌تواند بسیار ارزشمند و راهگشا باشد. حاصل این بررسی، شناسایی ۱۹ محوطه باستانی بود که در ادامه به معرفی این یافته‌ها و تحلیل الگوی پراکنندگی آن‌ها پرداخته می‌شود.

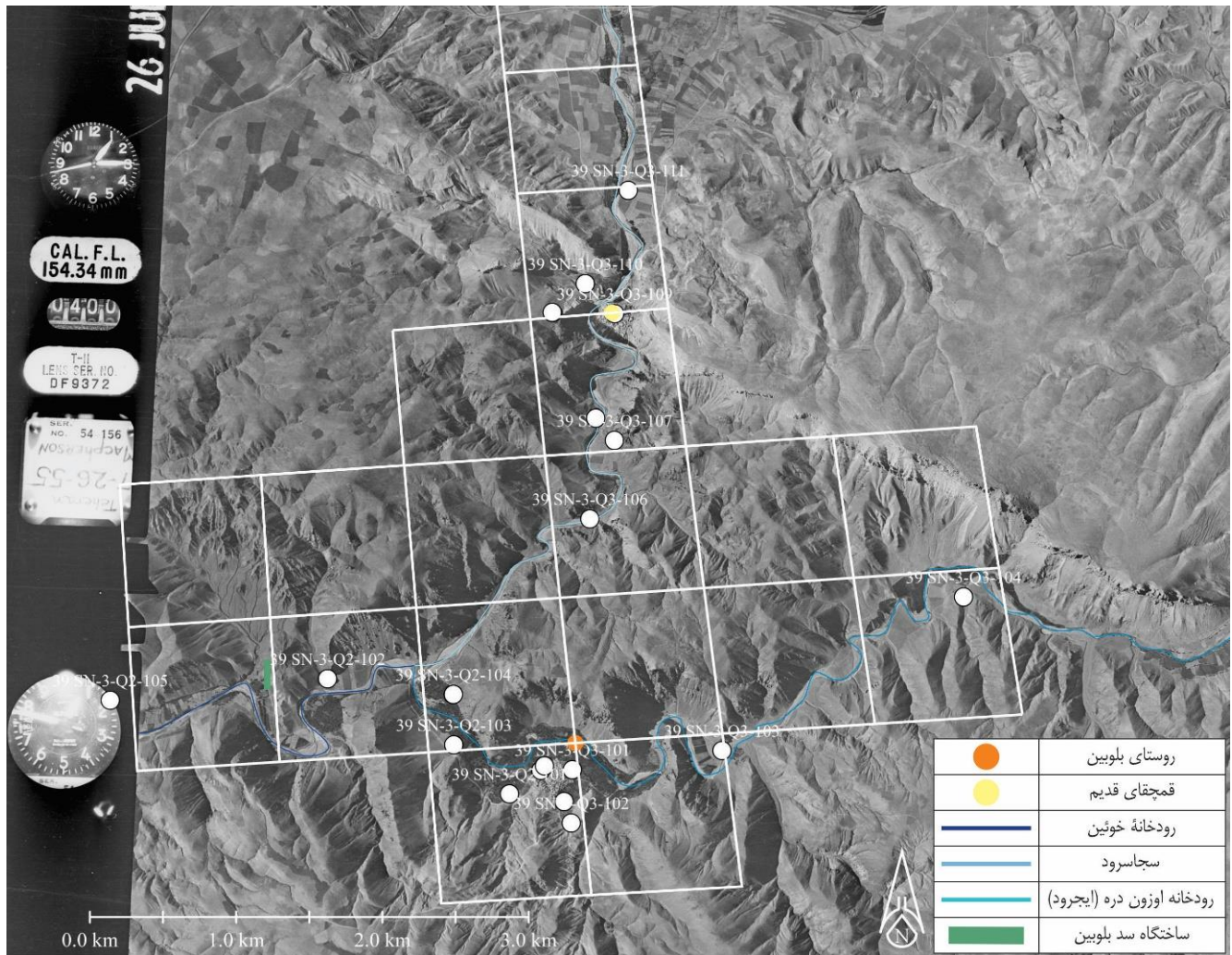
موقعیت جغرافیایی منطقه

استان زنجان با وسعت ۲۲۱۶۴ کیلومتر مربع در منطقه شمال غرب کشور قرار دارد. میانگین ارتفاع آن بیش از ۱۵۰۰ متر از سطح دریاهای آزاد است. پست‌ترین نقطه داخل استان با ارتفاع ۳۱۱ متر در منطقه طارم و بلندترین قله آن بلقیس، با ارتفاع ۳۳۵۰ متر در کوه‌های تخت سلیمان از ارتفاعات شهرستان ماهنشان قرار دارد. استان زنجان از شمال به استان‌های آذربایجان شرقی، اردبیل و گیلان، از شرق به استان‌های قزوین و گیلان، از جنوب به استان‌های همدان و قزوین و از غرب به استان‌های آذربایجان غربی و کردستان محدود است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹: ۳۳).

شهرستان ایجرود به‌عنوان یکی از شهرستان‌های استان زنجان، در غرب این استان قرار دارد. این شهرستان بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۹۵، شامل دو بخش (مرکزی و حلب) و چهار دهستان (ایجرود بالا، گلابر، سعیدآباد و ایجرود پایین) است. شهر حلب و زرین‌آباد دو مرکز شهری این شهرستان است که بخش بزرگی از جمعیت را در خود جای داده‌اند. این شهرستان دارای ۹۴ نقطه روستایی است که از این تعداد، ۷۹ نقطه روستایی آن به‌عنوان مناطق دارای سکنه و ۱۵ نقطه روستایی نیز

دهستان ایجرود در جنوب زنجان واقع شده و دارای ۶۸ قریه است که دو ثلث آن در جلگه واقع شده و هوایش معتدل است و بقیه کوهستانی و سردسیر هستند. ساکنان این منطقه برای زراعت از آب رودخانه، قنات و چشمه استفاده می‌کنند و محصول این روستاها غله و حبوبات است (موسوی زنجانی، ۱۳۵۲: ۱۵).

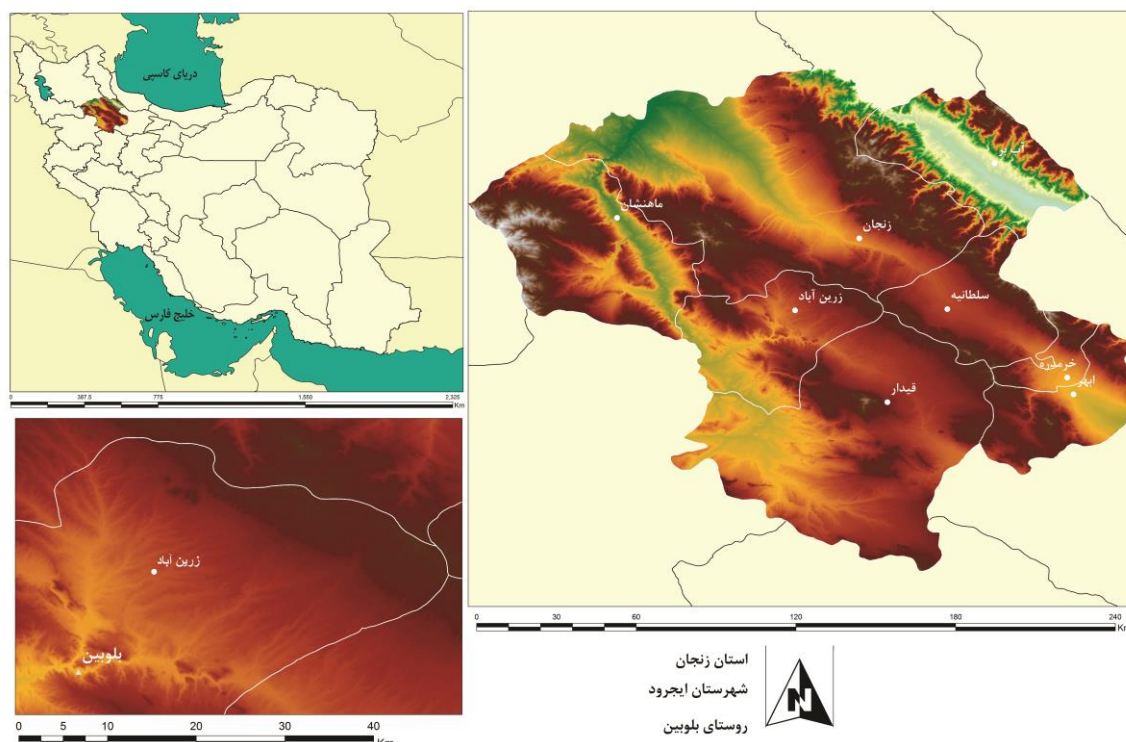
دارای جمعیت غیر ساکن و خالی از سکنه است. از نظر آب‌وهوا نیز این شهرستان پرباران و سردسیرترین شهرستان استان بوده و بخش بیشتری از درآمد ساکنان آن نیز از کشاورزی و دامداری تأمین می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹).



شکل ۱. شبکه‌بندی محدوده بررسی پهنه آبیگر سد بلوبین و موقعیت آثار شناسایی شده، عکس هوایی سال ۱۳۳۴.

مورد بررسی در حوضه آبریز سajasرود در شمال غرب ایران و جنوب استان زنجان قرار دارد. این حوضه حدود ۲۴۹۴ کیلومترمربع وسعت دارد که ۱۲۹۸ کیلومترمربع آن را نهشته‌های آبرفتی و بقیه را ارتفاعات تشکیل داده‌اند. دشت‌ها در این حوضه آبریز به صورت تپه ماهوری و دره‌های ناهموار هستند که توسط ارتفاعات بلند یا نهشته‌های پلیستوسن کم ارتفاع از هم جدا می‌شوند.

روستای بلوبین که امروزه در تقسیمات کشوری از توابع بخش حلب شهرستان ایجرود است (شکل ۲)، در گذشته جزئی از خوئین محسوب می‌شده است «... سه آبادی دیگر به نام بلوبین به فتح باء بر وزن ملومین دارای ۵۵ خانوار و قزلبه دارای ۶۰ خانوار و سعدآباد دیگر با ۴۵۰ تا ۵۰۰ خانوار جمعیت نیز با مردم خوئین ۸ هزار و هم‌زبان هستند» (موسوی زنجانی، ۱۳۵۲: ۲۴). محدوده



شکل ۲. موقعیت استان زنجان، شهرستان ایجرود و روستای بلوین.

مارلیک منتشر کرد، مناطق غربی فلات مرکزی و دشت‌ها و دره‌های ابهر و خرمدره بخشی از «منطقه بررسی و حفاری دانشگاه تهران» محسوب شده است (نگهبان، ۲۵۳۶: نقشه ۱)، اما دامنه این پژوهش‌ها هیچ‌گاه به استان زنجان نرسید (علی‌بیگی و خسروی، ۱۳۹۱: ۴۷۳). در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، جواد بابکراد از مرکز باستان‌شناسی، علاوه بر مناطق طارم و ماهنشان (بابکراد، ۲۵۳۵)، حوالی ابهر را نیز مورد بررسی قرار داد (علی‌بیگی و خسروی، ۱۳۹۱: ۴۷۴). با این حال تنها بررسی در پیش از انقلاب اسلامی که منجر به کشف چند محوطه پیش از تاریخ در استان زنجان شده است، بررسی‌های استوارت سوئینی است. وی و همسرش از مرکز مطالعات ایرانی بریتانیا در سال ۱۹۷۱ م، بخش‌هایی از غرب و جنوب استان زنجان را بررسی کردند (Swiny, 1975). با این حال عمده فعالیت‌های باستان‌شناختی در استان زنجان محدود به کاوش‌هایی در ارگ سلطانیه و بناهای اسلامی پیرامون آن بود. علاوه بر این، ایوب ربنو با نظارت سعید گنجوی در اوایل دهه ۱۳۴۰ خورشیدی، حفاری‌هایی با هدف تجاری در حوالی ایجرود انجام داد (علی‌بیگی و خسروی، ۱۳۹۱: ۴۷۰). نخستین بررسی علمی و روشمند در این منطقه در سال ۱۳۷۳ صورت گرفت، زمانی که علی‌اصغر میرفتاح

رودخانه سجاسرود از سمت شرق و از دشت مزیدآباد سرچشمه می‌گیرد و با جهت شرقی - غربی پس از عبور از شهر سجاس در پایاب روستای ینگگی کند، به رودخانه قزل‌اوزن می‌ریزد. این محدوده با ارتفاع متوسط ۱۶۵۰ متر، از غرب به کوه‌های ماهنشان، از شمال به کوه‌های سلطانیه و از جنوب به کوه‌های قیدار محدود می‌شود. پست‌ترین نقطه با ارتفاع ۱۴۰۳ متر، در محل برخورد سجاسرود به رودخانه قزل‌اوزن و مرتفع‌ترین نقطه به ارتفاع ۲۶۰۰ متر، در جنوب منطقه قرار دارد. میانگین درجه حرارت سالانه در ایستگاه باران‌سنجی حلب واقع در جنوب‌غرب حوضه آبریز سجاسرود، ۱۱/۵ درجه سانتی‌گراد است. متوسط بارندگی سالیانه در این ایستگاه ۳۹۰/۹۲ میلی‌متر است. بیشترین بارش در فروردین‌ماه با میانگین ۶۷/۶ و کمترین آن در شهریور به میزان ۲/۱ میلی‌متر برآورد شده است. نوع اقلیم این حوضه آبریز بر اساس دومارتن (De Martonne)، نیمه‌خشک و آمبرژه نیمه‌خشک سرد است (اصغری سراسکانرود و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۷۶).

مطالعات باستان‌شناسی استان زنجان

اگرچه در نقشه‌هایی که عزت‌الله نگهبان در دومین شماره مجله

که به شناسایی ۹۲ محوطه انجامید. در دومین فصل این پروژه در سال ۱۳۸۴، ۱۶۵ محوطه دیگر نیز ثبت شد. در سال ۱۳۸۶، بررسی‌های گسترده‌تری در مناطق مختلفی از استان زنجان از جمله شهرستان‌های طارم، خدابنده و ایجرود انجام شد و در این بررسی‌ها، چندین محوطه باستانی متعلق به ادوار گوناگون فرهنگی شناسایی گردید. همچنین در همین سال، سه‌جا‌ی تپه برای دومین بار مورد کاوش قرار گرفت (عالی، ۱۳۸۷). در تابستان همین سال، علی اصغر میرفتاح بررسی باستان‌شناختی دهستان گلابر در شهرستان ایجرود را به انجام رساند که منجر به شناسایی ۶۷ محوطه و بنای تاریخی از دوره‌های مختلف شد (میرفتاح، ۱۳۸۶). در همان سال، فرزاد مافی بررسی‌هایی را در بخش‌های زرین‌رود و گرماب شهرستان خدابنده در دو فصل مجزا به انجام رساند که به ترتیب به شناسایی ۷۰ و ۸۰ محوطه باستانی منجر شد. آثار به‌دست‌آمده، گویای استقرارهایی از دوران پارینه‌سنگی تا دوره اسلامی متأخر در این مناطق بود (مافی، ۱۳۸۶ الف و ب). همچنین، در نخستین فصل بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه طارم به سرپرستی ارض‌الله نجفی، ۹۶ محوطه متعلق به دوره‌های گوناگون شناسایی شد (نجفی، ۱۳۸۶). همچنین در بررسی باستان‌شناختی حوضه آبریز ابهررود طی دو فصل در پائیز ۱۳۸۲ و تابستان ۱۳۸۴ زیر نظر ابوالفضل عالی در منطقه‌ای به وسعت ۳۴۰۰ کیلومتر مربع، ۲۵۷ محوطه و اثر باستانی شناسایی شد (عالی، ۱۳۸۳؛ الف؛ ۱۳۸۵؛ ب). در سال ۱۳۹۳ بررسی باستان‌شناختی حوضه سد مراش با هدف شناسایی و مستندسازی محوطه‌ها و تپه‌های تاریخی واقع در حوضه آبریز این سد، در حدود ۴ کیلومتری شهر دندی در بخش انگوران شهرستان ماه‌نشان، انجام شد. در نتیجه این بررسی ۱۶ محوطه تاریخی شناسایی گردید که عمدتاً در دره رودخانه حلب، پرآب‌ترین شاخه نسبت به رودهای کشخان و یتنججه، قرار داشتند (عبدی‌کیا، ۱۳۹۳). در سال ۱۳۹۴ بررسی باستان‌شناختی محدوده سد بلوین با هدف شناسایی و مستندسازی آثار فرهنگی - تاریخی این محدوده انجام گرفت که در همین نوشتار به آن خواهیم پرداخت. پس از بررسی و شناسایی باستان‌شناسی محدوده سد بلوین، فصل اول کاوش نجات‌بخشی در محدوده این سد در سال ۱۳۹۸ و فصل دوم و سوم این کاوش‌ها در سال ۱۴۰۲ انجام گرفت (فرشی جلالی، ۱۳۹۹؛ ۱۴۰۲؛ ۱۴۰۳). در سال ۱۳۹۸ کاوش نجات‌بخشی در محوطه جن‌دره‌سی، در چارچوب مطالعات

با همکاری خسرو پوربخشنده، مطالعات مقدماتی و گمانه‌زنی‌هایی را در تپه قلعه ابهر به انجام رساند؛ تپه‌ای که پیش‌تر به‌صورت غیرمجاز و غیراستاندارد توسط جهان‌شاه‌خان افشار، یکی از مالکان صاحب‌نفوذ و رئیس ایل افشار خنجر، مورد حفاری قرار گرفته بود (آقامحمدی، ۱۳۷۷). در این بررسی، شواهدی از استقرارهایی متعلق به عصر آهن تا دوران اسلامی شناسایی شد (میرفتاح، ۱۳۷۳). در سال ۱۳۸۰، مهرداد عسگریان با هدف تعیین وسعت گسترش فرهنگی در بخش شمالی تپه قلعه ابهر، گمانه‌زنی محدودی در این محوطه انجام داد (عسگریان، ۱۳۸۰). داده‌های حاصل از این کاوش، شواهدی از فرهنگ عصر مفرغ قدیم با نمونه‌هایی از سفال خاکستری-سیاه متعلق به فرهنگ یانیق را آشکار ساخت (علی‌بیگی و خسروی، ۱۳۹۱؛ ۴۷۱). در سال ۱۳۸۱، علی اصغر میرفتاح بار دیگر بخش‌هایی از شهر کهن سلطانیه را مورد کاوش قرار داد و لایه‌های فرهنگی متعددی را آشکار ساخت (میرفتاح، ۱۳۸۱). هم‌زمان، پروین کاظم‌پورعصمتی زیر نظر پروژه باستان‌شناسی سلطانیه، لایه‌های مربوط به دوره‌های مس‌وسنگ و مفرغ را در تپه نور مورد کاوش قرار داد. در سال ۱۳۸۸، فصل چهارم پژوهش‌های باستان‌شناختی در تپه نور با هدف انجام لایه‌نگاری و بازسازی توالی فرهنگی دوره‌های پیش‌ازتاریخ، توسط پروین کاظم‌پورعصمتی پی‌گیری شد (کاظم‌پورعصمتی، ۱۳۸۸). در پی احداث و آب‌گیری سد گلابر در شهرستان ایجرود در سال ۱۳۸۶، محوطه سه‌جا‌ی تپه - استقرار متعلق به دوره مس‌وسنگ میانی در دره سجاس‌رود - در قالب یک پروژه نجات‌بخشی زیر نظر ابوالفضل عالی کاوش شد (عالی، ۱۳۸۷). نتایج این کاوش نشان داد که سه‌جا‌ی تپه یک روستای کوچک متعلق به نیمه دوم هزاره پنجم پیش‌ازمیلاد و مرتبط با فرهنگ دالما بوده است. تپه باستانی خالصه در دره رودخانه ابهر در سال ۱۳۸۸ به منظور آموزش میدانی دانشجویان باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، تحت سرپرستی حمیدرضا ولی‌پور کاوش شد. این کاوش به شناسایی بقایای سکونت کوچکی از دوره نوسنگی جدید انجامید (ولی‌پور، ۱۳۸۸). فعالیت‌های میدانی ابوالفضل عالی از سال ۱۳۸۰ با بررسی شهرستان ماه‌نشان آغاز شد. در جریان این بررسی، تعداد ۱۸۰ محوطه و مکان باستانی از دوران پیش‌ازتاریخ تا دوران معاصر شناسایی و ثبت گردید (عالی، ۱۳۸۱). وی در سال ۱۳۸۲ نخستین فصل از بررسی هدفمند حوضه آبریز ابهررود را آغاز کرد

در قالب یک طرح نجات‌بخشی بررسی باستان‌شناسی آغاز شد. بررسی و شناسایی باستان‌شناسی محدوده آبگیری سد بلوین در چهار مسیر با روش پیمایش فشرده انجام گرفت (شکل ۱):

- ۱- بررسی از روستای بلوین به سمت رودخانه سجاسرود.
- ۲- بررسی از انتهای دریاچه (روستای گل‌ابر) تا روستای بلوین.
- ۳- بررسی از روستای بلوین به سمت غرب و رودخانه اوزون دره و روستای قم‌چقای جدید.

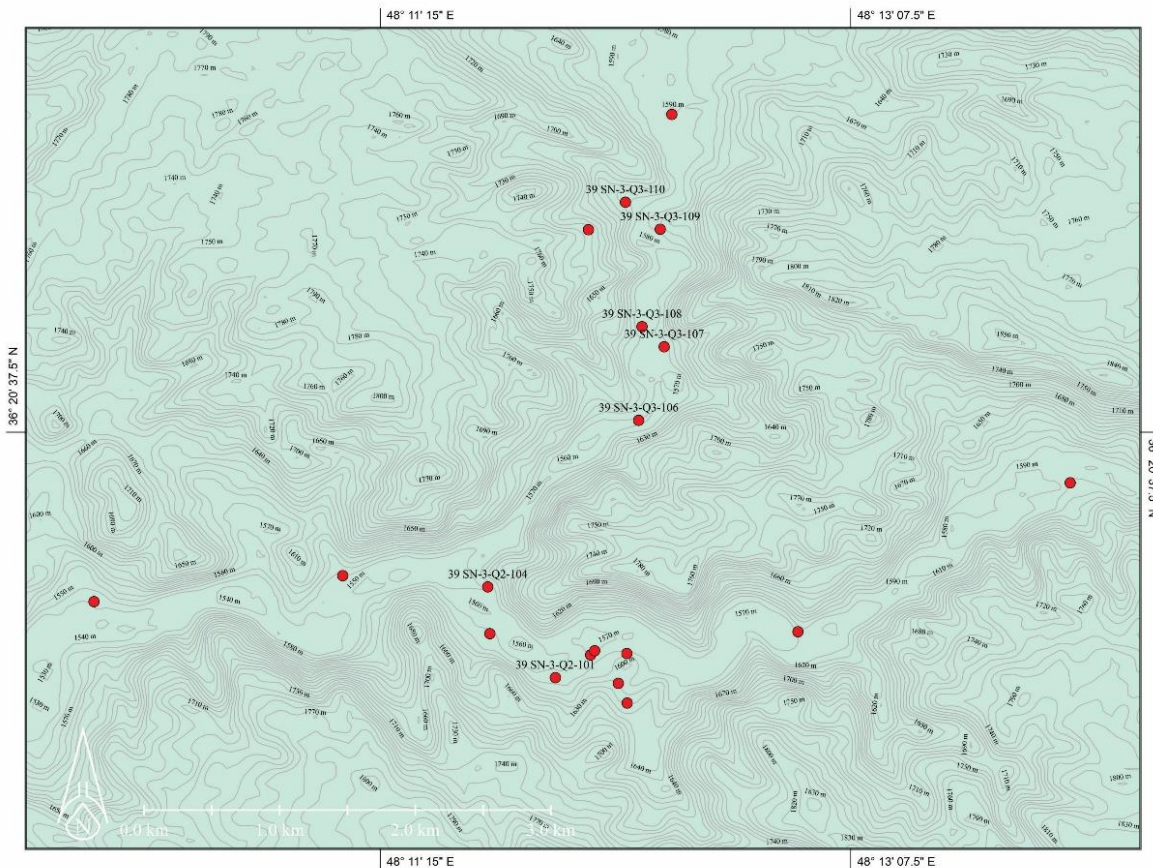
- ۴- بررسی محدوده ساختگاه سد به سمت غرب و رودخانه خوئین.

حاصل این بررسی، شناسایی و ثبت ۱۹ اثر باستانی بود (شکل ۳ و ۴). مختصات جغرافیایی آن‌ها با دستگاه GPS و در سیستم مختصات UTM ثبت گردید. آثاری که دارای نام خاص بودند با همان نام بومی و یک شناسه (کد ملی نقشه باستان‌شناسی) و محوطه‌هایی که فاقد نام هستند تنها با شناسه اثر معرفی شدند. از یافته‌های سطحی نمونه‌برداری شد و در مراحل بعدی یافته‌ها (سفال‌ها) ثبت و ضبط و مستندنگاری (شست‌وشو، پشت‌نویسی، تهیه فرم مشخصات، طراحی و عکاسی) شدند.

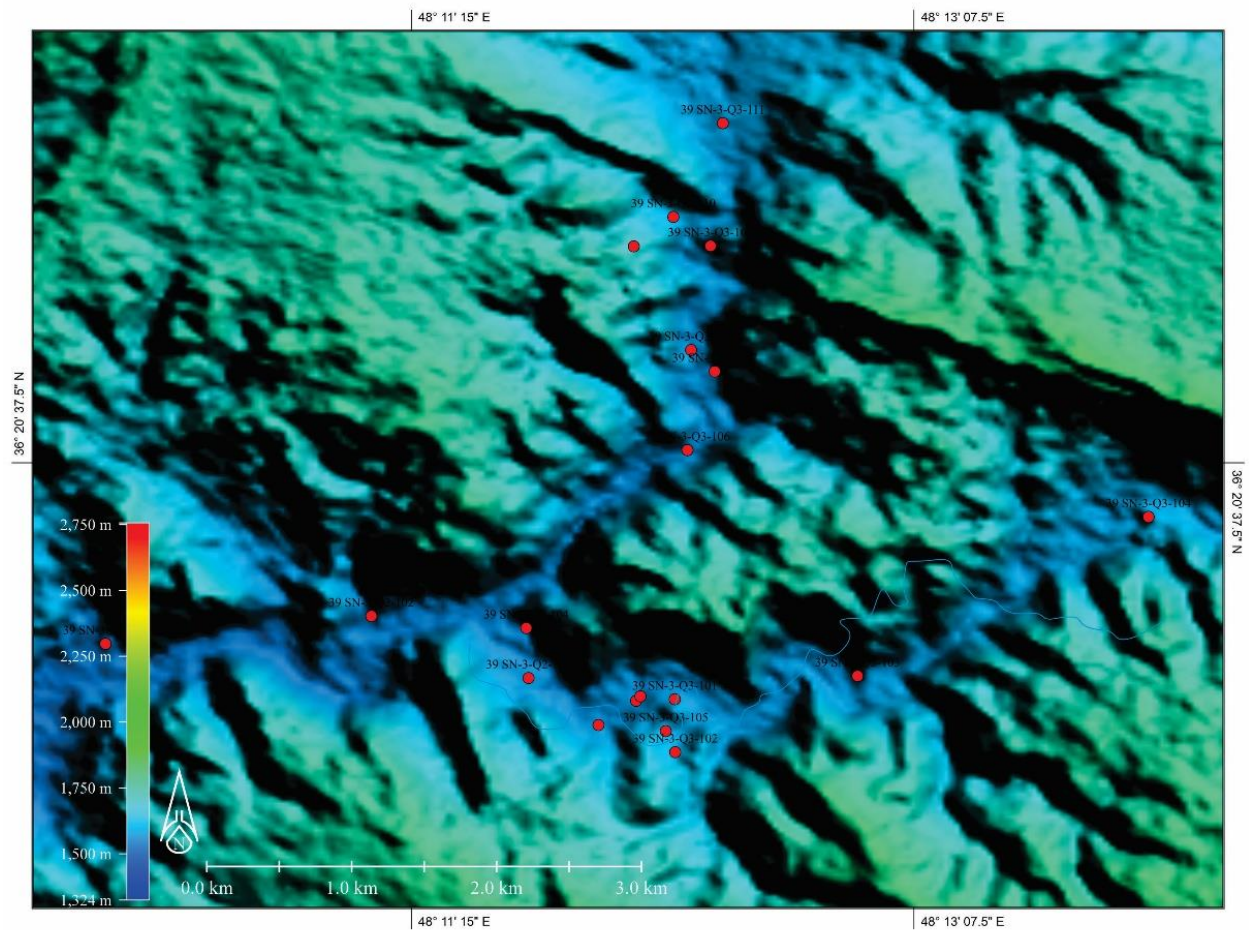
باستان‌شناسی سد مراش، به‌منظور شناخت بیشتر استقرارهای باستانی در شهرستان ماه‌نشان انجام گرفت (هورشید، ۱۳۹۹: ۸۹۹). فصل نخست کاوش نجات‌بخشی محوطه MC005 در حوضه آبگیر سد مراش در زمستان سال ۱۳۹۸ و دومین فصل آن در زمستان ۱۴۰۲ به سرپرستی شقایق هورشید انجام شد (هورشید، ۱۴۰۳: ۶۷۲).

روش بررسی

روش‌های گوناگونی برای گردآوری داده در بررسی‌های باستان‌شناسی مورد استفاده قرار می‌گیرد که انتخاب هرکدام از آن‌ها به شناخت منطقه و هدف‌های نظری و عملی پژوهش‌های باستان‌شناختی بستگی دارد (علیزاده، ۱۳۸۰: ۱۸۹). با توجه به اهمیت بررسی در پژوهش‌های باستان‌شناختی، در این پژوهش تلاش بر این بود که با یک بررسی دقیق و هدفمند، زوایای ناشناخته باستان‌شناسی منطقه مورد شناسایی قرار گیرد. به این منظور، برای روشن شدن وضعیت استقرارگاه‌های حوزه مطالعاتی،



شکل ۳. پراکندگی آثار شناسایی شده در نقشه توپوگرافی پهنه آبگیر سد بلوین.



شکل ۴. پراکندگی آثار شناسایی شده در مدل ارتفاعی پهنه آبگیر سد بلوین.

معرفی آثار شناسایی شده

۱. تپه‌ها

منظور از تپه‌های باستانی آثاری است که به صورت برجسته، دارای ارتفاع بیش از یک متر از سطح زمین‌های اطراف بوده و به صورت منفرد واقع شده‌اند. در محدوده آبگیر سد بلوین پنج تپه به صورت منفرد و دارای ارتفاع بیش از ۱ متر شناسایی شده است.

بلندترین تپه به نام تپه روستای بلوین شناخته می‌شود که در بررسی باستان‌شناسی شناسه 39 SN-3-Q3-101 به این تپه تعلق گرفت. این تپه در ضلع جنوبی کوهپایه پله‌دش قرار دارد. رودخانه خوئین به فاصله حدود ۲۰ متری از جنوب این تپه می‌گذرد. تپه بر روی بیرون‌زدگی دامنه کوه واقع شده و از سمت شمال به کوه چسبیده و از سه جهت دیگر آزاد و دارای شیبی ملایم است. از سطح تپه مواد فرهنگی همچون قطعات سفال، استخوان، قطعات گل پخته و صدف به دست آمده است.

بررسی باستان‌شناسی و محوطه‌های شناسایی شده

آثار شناسایی شده به لحاظ نوع و شکل زیستگاه، پراکندگی مکانی و دوره‌های فرهنگی متنوع هستند و در یک تقسیم‌بندی کلی به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

۱. تپه‌ها

۲. محوطه‌ها

۳. گورستان

۴. بناها

اطلاعات کلی محوطه‌های شناسایی شده از قبیل نام محوطه، مختصات جغرافیایی، ارتفاع از سطح دریا، مساحت و دوره‌های پیشنهادی در جدول شماره ۱ ذکر شده است.

جدول ۱. مشخصات آثار شناسایی شده.

دوره	ارتفاع از سطح دریا	مختصات جغرافیایی UTM-Zone 39 N		شناسه بنا	شناسه گورستان	شناسه محوطه	شناسه تپه	نام محلی	
		عرض	طول						
سده‌های متأخر دوران اسلامی و معاصر	1615	4024077	249014	-	-	-	39 SN-3-Q3-101	تپه روستای بلوین	۱
دوران اسلامی	1617	4023713	249006	-	39 SN-3-Q3-102	-	-	گورستان بلوین	۲
دوران تاریخی، سده‌های متأخر دوران اسلامی	1608	4024208	250039	-	-	-	39 SN-3-Q3-103	-	۳
دوران تاریخی، سده‌های متأخر دوران اسلامی	1619	4025258	251694	-	-	-	39 SN-3-Q3-104	-	۴
دوران تاریخی، دوران اسلامی	1625	4023859	248957	-	-	-	39 SN-3-Q3-105	-	۵
سده‌های میانی و متأخر دوران اسلامی	1582	4025792	249134	-	-	39 SN-3-Q3-106	-	-	۶
سده‌های متأخر دوران اسلامی	1599	4026329	249302	-	-	39 SN-3-Q3-107	-	-	۷
دوران تاریخی، دوران متأخر اسلامی	1602	4026481	249174	-	-	39 SN-3-Q3-108	-	-	۸
دوران تاریخی، سده‌های میانی و متأخر دوران اسلامی	1611	4027140	249137	-	-	39 SN-3-Q3-109	-	روستای قمچقای قدیم	۹
دوران تاریخی، دوران اسلامی	1621	4073845	249137	-	39 SN-3-Q3-110	-	-	گورستان روستای قمچقای قدیم	۱۰
سده‌های متأخر دوران اسلامی	1606	4028038	249397	-	-	39 SN-3-Q3-111	-	-	۱۱
دوره قاجار (?)	1581	4024073	248798	39 SN-3-Q3-112	-	-	-	-	۱۲
دوره صفوی، قاجار و پهلوی	1583	4024103	248823	39 SN-3-Q3-113	-	-	-	حمام روستای بلوین	۱۳
دوره قاجار (?)	1694	4027204	248876	39 SN-3-Q3-114	-	-	-	دژ روستای قمچقای قدیم	۱۴
سده‌های متأخر دوران اسلامی	1583	4023912	248583	-	-	39 SN-3-Q2-101	-	-	۱۵
دوره اشکانی و ساسانی	1572	4024699	247337	-	-	39 SN-3-Q2-102	-	-	۱۶
(حذف شده)	1586	4024247	248202	-	-	39 SN-3-Q2-103	-	-	۱۷
(حذف شده)	1584	4024592	2448199	-	-	39 SN-3-Q2-104	-	-	۱۸
سده‌های متأخر دوران اسلامی	1552	4024552	245848	-	-	39 SN-3-Q2-105	-	-	۱۹

معرفی آثار شناسایی شده

۱. تپه‌ها

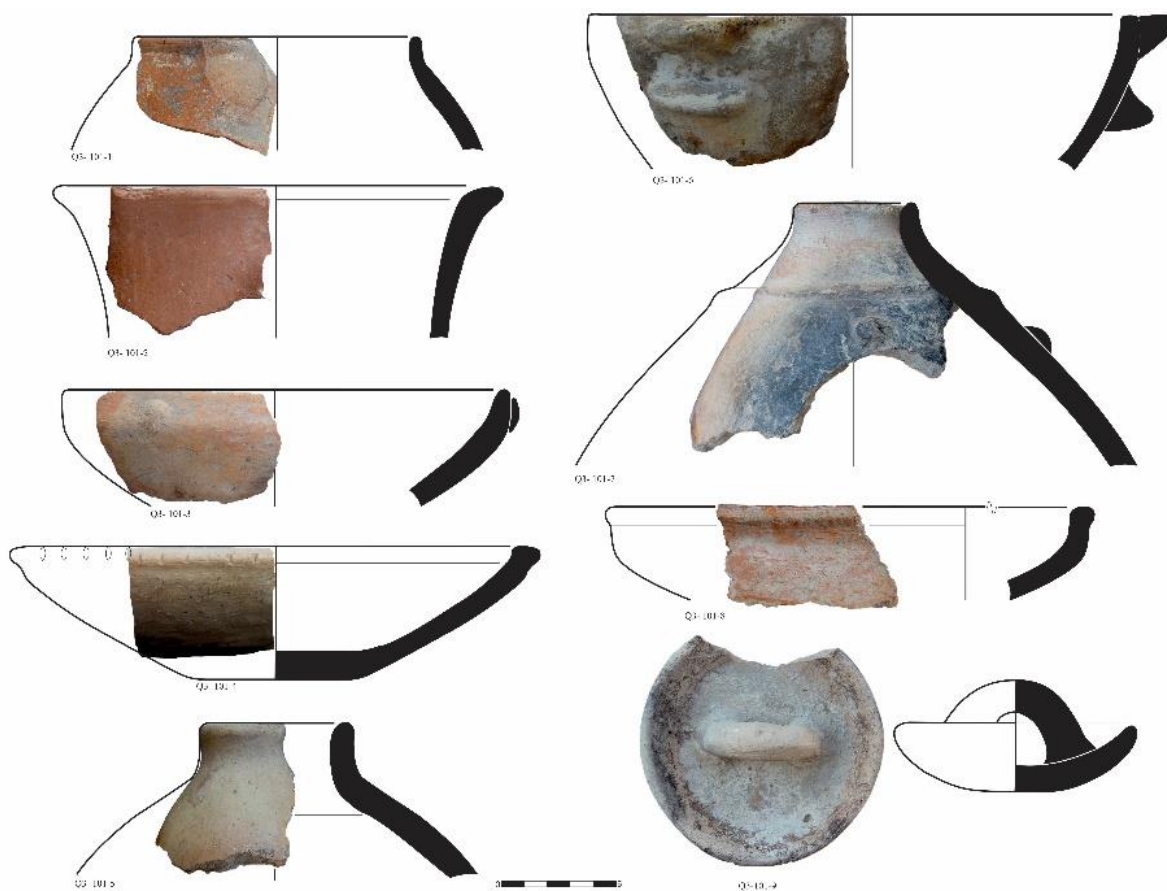
تعلق گرفت. این تپه در ضلع جنوبی کوهپایه پله‌دش قرار دارد. رودخانه خوتین به فاصله حدود ۲۰ متری از جنوب این تپه می‌گذرد. تپه بر روی بیرون‌زدگی دامنه کوه واقع شده و از سمت شمال به کوه چسبیده و از سه جهت دیگر آزاد و دارای شیبی ملایم است. از سطح تپه مواد فرهنگی همچون قطعات سفال، استخوان، قطعات گل پخته و صدف به‌دست‌آمده است. قطعات سفالی به‌دست‌آمده از این تپه شامل سفال‌های طیف رنگ نخودی و قهوه‌ای با تکنیک ساخت از نوع دست‌ساز و چرخ‌ساز

منظور از تپه‌های باستانی آثاری است که به‌صورت برجسته، دارای ارتفاع بیش از یک متر از سطح زمین‌های اطراف بوده و به‌صورت منفرد واقع شده‌اند. در محدوده آبگیر سد بلوین پنج تپه به‌صورت منفرد و دارای ارتفاع بیش از ۱ متر شناسایی شده است.

بلندترین تپه به نام تپه روستای بلوین شناخته می‌شود که در بررسی باستان‌شناسی شناسه 39 SN-3-Q3-101 به این تپه

محوطه TALL 11 در حوضه آبگیر سد تالوار (وحدتی نسب و حیدریان، ۱۳۸۸: ۶۶-۶۷) است. بر همین اساس و با توجه به کاوش‌های انجام‌شده در این تپه در فصل دوم مطالعات حوضه آبگیر سد بلوین، تپه بلوین به صورت نسبی به قرون متأخر اسلامی تا دوران معاصر تاریخ‌گذاری می‌گردد (شکل ۵).

می‌شوند که برخی ساده و برخی دارای تزیین از نوع نقش برجسته و افزوده هستند. این سفال‌ها لعاب گلی رقیق با خمیره نخودی و قهوه‌ای دارند. قطعات سفالی به دست آمده از این تپه قابل مقایسه با سفال‌های روستاهای خوئین، قره‌دره، کهریز سیاه منصور، پاشاچای، قمچقای (آخوندی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۴، تصویر ۴).



شکل ۵. نمونه سفال‌های تپه بلوین (Q3-101-3-SN 39).

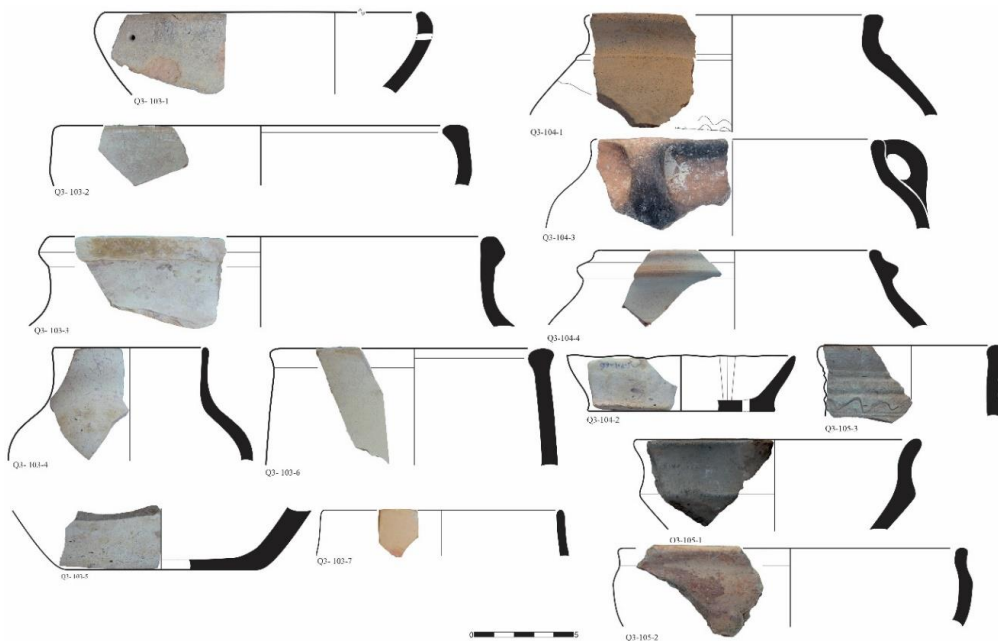
تکنیک ساخت از نوع چرخ‌ساز که برخی ساده و برخی دارای تزیین از نوع نقش برجسته و افزوده هستند. این سفال‌ها لعاب گلی رقیق با خمیره نخودی و قهوه‌ای دارند. قطعات سفالی به دست آمده از این تپه قابل مقایسه با محوطه‌های دوره متأخر اشکانی حوضه آبریز قزل‌اوزن در محدوده شهرستان ایجرود (آخوندی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۸) و همچنین کنگاور (کامبخش فرد، ۱۳۵۱: ۶)، قلعه یزدگرد (Keall, 1981: 40-54)، بیستون (کالیس، ۱۳۸۵: ۱۱۲) و تپه بلوین (فرشی جلالی، ۱۳۹۴: ۳۶) است. بر همین

دومین تپه به فاصله بیست‌متری از پیچ رودخانه خوئین و ضلع جنوبی کوهپایه قرار دارد. این تپه فاقد نام محلی است و برای آن شناسه Q3-103-SN 39 در نظر گرفته شد. روی سطح تپه مواد فرهنگی همچون قطعات سفال، استخوان، قطعات گل پخته و صدف به دست آمده است. همچنین شواهدی از بقایای معماری وجود دارد. قطعات سنگ، ملات گل و رد دیوار با پی‌سازی ضعیف در برخی نقاط تپه قابل مشاهده است. قطعات سفالی به دست آمده از این تپه شامل سفال‌هایی در طیف رنگ نخودی و قهوه‌ای با

54)، بیستون (کالیس، ۱۳۸۵: ۱۱۲) و تپه بلوین تپه 39 SN-103-Q3-3 (فرشی‌جلالی، ۱۳۹۴: ۳۶) است. بر همین اساس، به‌صورت نسبی تپه مذکور به دوران تاریخی (اشکانی - ساسانی) و دوره متأخر اسلامی تاریخ‌گذاری گردیده است (شکل ۶).

چهارمین تپه هم مانند دو اثر پیشین فاقد نام محلی است، شناسه 39 SN-3-Q3-105 برای این اثر در نظر گرفته شد. وسعت تپه حدوداً ۷۰۰۰ مترمربع است و روی شیب دامنه کوه قرار دارد. تپه از جهت شمال و غرب به دامنه کوه و از جهت شرق و جنوب به رودخانه محدود می‌گردد. سفال‌های به‌دست‌آمده از سطح این تپه شامل سفال‌های بدون لعاب می‌شود که از نظر کیفیت و شیوه ساخت، به دو دسته متوسط و خشن و به دو شیوه دست‌ساز و چرخ‌ساز طبقه‌بندی می‌شوند. از نظر رنگ و پوشش در طبقه طیف نخودی، قهوه‌ای با پوشش رقیق و غلیظ گلی قرار می‌گیرند. تزیینات قطعات سفالی مذکور شامل نقش‌کنده موج و خطوط صاف افقی است. سفال‌های به‌دست‌آمده از این تپه قابل مقایسه با سفال‌های به‌دست‌آمده از بررسی‌های حوضه آبگیر سد تالوار، تپه‌روستای گوجه‌کند، تپه 11 TAL (وحدتی‌نسب، حیدریان، ۱۳۸۸: ۶۷-۶۶) هستند. با توجه به مقایسه قطعات سفالی با سفال‌های دیگر مناطق مذکور، می‌توان به‌صورت نسبی برای این تپه، دوران تاریخی - اسلامی را پیشنهاد داد (شکل ۶).

اساس، به‌صورت نسبی تپه مذکور به دوران تاریخی (اشکانی - ساسانی) و دوره متأخر اسلامی تاریخ‌گذاری شده است (شکل ۶). سومین تپه هم فاقد نام محلی است، برای آن شناسه 39 SN-104-Q3-3 در نظر گرفته شد. این تپه با وسعت حدوداً ۸۰۰۰ مترمربع در سمت جنوبی رودخانه سجاسرود و ضلع شمالی پایه کوه پله‌دش قرار گرفته است. سمت جنوب و شرق تپه نسبت به ضلع شمال و غرب آن دارای شیب تند است. سطح تپه پوشیده از لاشه‌سنگ و قلوه‌سنگ است. آثار معماری بر روی تپه شامل پی لاشه‌سنگ و قلوه‌سنگ با ملات گچ قابل مشاهده است. به دلیل کشاورزی و حفاری‌های غیرمجاز در سطح تپه، آثار معماری آسیب دیده است. سفال‌های به‌دست‌آمده از سطح این تپه شامل سفال‌های بدون لعاب می‌شود که از نظر کیفیت و شیوه ساخت، به سه دسته ظریف، متوسط و خشن طبقه‌بندی می‌شوند و به دو شیوه دست‌ساز و چرخ‌ساز ساخته شده‌اند. این قطعات سفالی از نظر رنگ و پوشش در طبقه طیف نخودی، قهوه‌ای و قرمز نارنجی با پوشش رقیق و غلیظ گلی قرار می‌گیرند. سفال‌های به‌دست‌آمده از این تپه قابل مقایسه با محوطه‌های دوره متأخر اشکانی حوضه آبریز قزل‌اوزن در محدوده شهرستان ایجرود (آخوندی، نجفی و مافی، ۱۴۰۱: ۵۸) و همچنین کنگاور (کامبخش‌فرد، ۱۳۵۱: ۶)، قلعه یزدگرد (-Keall, 1981: 40)



شکل ۶. نمونه سفال‌های 39 SN-3-Q3-103، 39 SN-3-Q3-104، 39 SN-3-Q3-105.

۲. محوطه‌ها

سنگی به همراه ملات گِل در برخی نقاط این محوطه دیده می‌شود. قطعات سفالی اندکی که از سطح محوطه به دست آمده، شامل دسته و بدنه است که از نظر نوع ساخت، چرخ‌ساز و دست‌ساز هستند. کیفیت ساخت قطعات سفالی به دست آمده عموماً خشن و متوسط با آمیزه کانی (شن و ماسه) است. این قطعات سفالی در دو طیف رنگی نخودی و نارنجی قرار می‌گیرند. این قطعات سفالی با سفال‌های به دست آمده از تپه بلوین (فرشی جلالی، ۱۳۹۴: ۳۶) و محوطه روستای قدیم قمچقای قابل مقایسه است (فرشی جلالی، ۱۳۹۴: ۸۶). اگرچه تعداد قطعات سفالی به دست آمده از این محوطه بسیار اندک است اما با توجه به مقایسه با سفال‌های تپه بلوین و روستای قدیم قمچقای، این محوطه را می‌توان به دوران متأخر اسلامی تاریخ‌گذاری کرد.

سومین محوطه که با شناسه 39 SN-3-Q3-108 شناخته می‌شود، با وسعت حدوداً ۱/۵ هکتار در حاشیه رودخانه اوزون‌دره قرار دارد. این محوطه از غرب به ارتفاعات پله‌دانش و از شرق به رودخانه اوزون‌دره محدود شده و روی سطح آن قطعات سفالی اندکی پراکنده است. این قطعات سفال از نظر نوع ساخت، به دو روش چرخ‌ساز و دست‌ساز ساخته شده‌اند و از نظر کیفیت ساخت در دو دسته خشن و متوسط طبقه‌بندی می‌شوند. همچنین قطعات سفال‌ها از نظر رنگ در طیف رنگی قرمز، نارنجی و نخودی به همراه آمیزه کانی (ماسه و شن) جای می‌گیرند. روی یک قطعه سفال که از نظر فرم شبیه دیگچه و ظروف آشپزخانه‌ای است، اثر دود و سوختگی دیده می‌شود. علاوه بر قطعات سفال، آثار و بقایای معماری نیز در این محوطه وجود دارد که شامل پی‌های سنگی به همراه ملات گِل است. این پی‌های سنگی از قلوه‌سنگ و لاشه‌سنگ‌های ماسه‌ای تشکیل شده‌اند. با توجه به مقایسه سفال‌های این محوطه با محوطه چال‌تپه (آخوندی و همکاران، ۱۴۰۱: شکل ۳) و تپه بلوین، این محوطه را می‌توان به دوران تاریخی و دوران متأخر اسلامی نسبت داد (شکل ۷).

چهارمین محوطه با شماره 39 SN-3-Q3-111 در دامنه ارتفاعات شرقی رودخانه اوزون‌دره که با شیب ملایم تا بستر رودخانه امتداد دارد، قرار گرفته است. در ارتفاعات شرقی این محوطه می‌توان شواهد معدن‌کاوی و خاک‌برداری جدید را دید. در شرق محوطه جاده‌ای خاکی برای دسترسی به روستای قدیم قمچقای ایجاد شده است. شواهد باستان‌شناختی پراکنده در این محوطه شامل قطعات سفال و استخوان می‌شود.

منظور از محوطه باستانی اثری است که هم‌سطح و یا پایین‌تر از زمین‌های اطراف باشد. در این گونه آثار بقایا و آثار باستان‌شناختی به صورت افقی بر سطح زمین گسترده است و می‌تواند متشکل از چندین تپه نزدیک به هم یا بافاصله نه‌چندان زیاد باشد. در محدوده آبیگری سد بلوین ۹ محوطه شناسایی شده است. به جز سه محوطه‌ای که روستای قدیم قمچقای، دژ روستای قدیم قمچقای و محوطه کارقیه نام دارند، سایر این محوطه‌ها دارای نام محلی نیستند، از همین رو برای معرفی و ثبت و ضبط اطلاعات آن‌ها، یک شناسه برای هر کدام در نظر گرفته شده است.

محوطه نخست با شناسه 39 SN-3-Q3-106 و وسعت ۲/۵ هکتار در کنار رودخانه اوزون‌دره که یکی از شاخه‌های رودخانه قزل‌اوزن است، قرار دارد. این محوطه از غرب و جنوب به کوه و ارتفاعات منطقه محدود می‌شود و به سبب تسطیح حاصل از کشاورزی بسیار آسیب‌دیده است. یافته‌های فرهنگی به دست آمده از سطح محوطه شامل قطعات سفال و استخوان است. سفال‌های به دست آمده از سطح این محوطه شامل سفال‌های بدون لعاب ساده و لعاب‌دار می‌شود که از نظر کیفیت و شیوه ساخت، به دو دسته متوسط و خشن و به دو شیوه دست‌ساز و چرخ‌ساز طبقه‌بندی می‌شوند. از نظر رنگ و پوشش در طیف نخودی، قرمز نارنجی با پوشش رقیق و غلیظ گلی و لعاب پاشیده قرار می‌گیرند. این قطعات سفالی با سفال‌های به دست آمده از تپه بلوین (فرشی جلالی، ۱۳۹۴: ۳۶) و محوطه روستای قدیم قمچقای قابل مقایسه است (فرشی جلالی، ۱۳۹۴: ۸۶). با توجه به مقایسه قطعه سفال لعاب‌دار به دست آمده از این محوطه با محوطه کهنه‌گوراب (زنوف و رایگان، ۱۴۰۰: ۲۵۳) و شهر تاریخی بلقیس (نیک‌گفتار، ۱۴۰۰: ۴۲۵)، این محوطه به صورت نسبی به قرون میانی و متأخر اسلامی تاریخ‌گذاری می‌شود (شکل ۷).

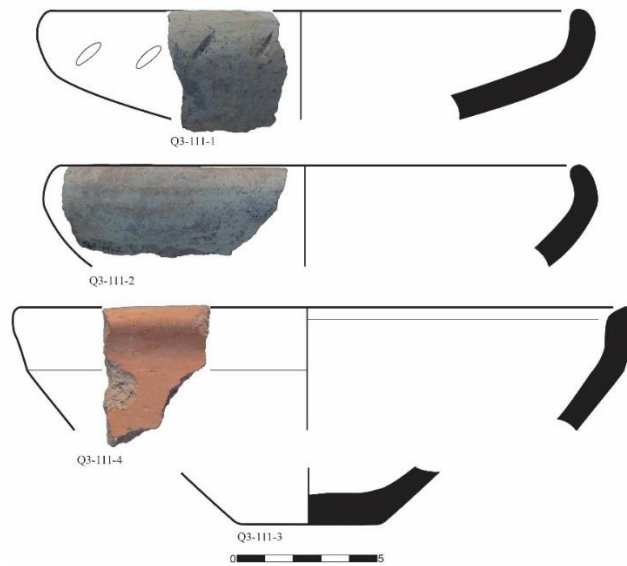
دومین محوطه با شماره 39 SN-3-Q3-107 با وسعت حدوداً ۱/۵ هکتار، در حاشیه بستر رودخانه اوزون‌دره قرار دارد. محوطه از شرق و جنوب به کوه و ارتفاعات و از شمال و غرب به رودخانه اوزون‌دره محدود شده و هم‌سطح با زمین‌های اطراف است. به سبب تسطیح زمین و شخم زدن چهره آن بسیار آشفته شده و روی سطح آن قطعات سفال، استخوان، قلوه و لاشه‌سنگ و تخته‌سنگ‌هایی که بر روی آن‌ها آثار گوه‌گذاری و تراش وجود دارد، قابل مشاهده است. آثار و بقایای معماری شامل پی‌های

سده‌های متأخر دوران اسلامی تاریخ‌گذاری کرد. از این محوطه یک قطعه سفال لعاب‌دار با لعاب سبز تک‌رنگ نیز شناسایی شده است که با مقایسه آن با سفال‌های به‌دست‌آمده از محوطه مالین در شهرستان باخرز (خدادوست و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۶)، شهر تاریخی بلقیس در خراسان (نیک‌گفتار، ۱۳۹۱: ۸) و محوطه کهنه‌گوراب (رئوف و رایگانی، ۱۴۰۰: ۲۵۱-۲۵۰)، به‌صورت نسبی می‌توان آن را به قرون میانی و متأخر دوران اسلامی تاریخ‌گذاری کرد (شکل ۸).

سفال‌های به‌دست‌آمده از این محوطه در دو گروه سفال‌های لعاب‌دار و بدون لعاب تقسیم‌بندی می‌شوند. از مجموع سفال‌های بدون لعاب به‌دست‌آمده، تنها یک قطعه دارای نقش‌کنده و مابقی سفال‌ها ساده هستند. خمیره قطعات سفال بدون لعاب در طیف رنگی نخودی و قرمز قرار می‌گیرند. آمیزه این سفال‌ها شن ریزدانه است. بر اساس مقایسه سفال‌های بدون لعاب با سفال‌های یافت‌شده از تپه بلوین (فرشی‌جلالی، ۱۳۹۴: ۳۶) این سفال‌ها را می‌توان به



شکل ۷. نمونه سفال‌های Q3-106-39 SN-3، Q3-108-39 SN-3 و Q3-109-39 SN-3.



شکل ۸. نمونه سفال‌های Q3-111-3-SN-39.

مواد فرهنگی سطحی محوطه کارقیه شامل قطعات سفالی است. گونه‌های متنوع سفال‌های محوطه کارقیه دارای خمیره نخودی و قرمز با پوششی به رنگ آجری و قرمز بوده و از مواد کانی به‌عنوان آمیزه در خمیره آن‌ها استفاده شده است. طی سومین فصل کاوش در محدوده آبیگر سد بلوین در سال ۱۴۰۲، این محوطه به‌عنوان یکی از محوطه‌های نیازمند کاوش نجات‌بخشی، مورد کاوش قرار گرفت. نتایج این کاوش نشان داد که استقرار در محوطه کارقیه از دوره اشکانی شکل گرفته و این محوطه در دوره ساسانی متروک شده است. همان‌گونه که مقایسه سفال‌های به‌دست‌آمده در بررسی با سفال‌های محوطه ۱۳۱ در حوضه آبریز اهررود (مافی و صراف، ۱۳۸۵: ۹۵، ۹۹) و قلعه یزدگرد (Keall 1981: fig 6:7) مشخص کرده بود که این محوطه متعلق به دوره اشکانی و ساسانی است (شکل ۹ و ۱۰).

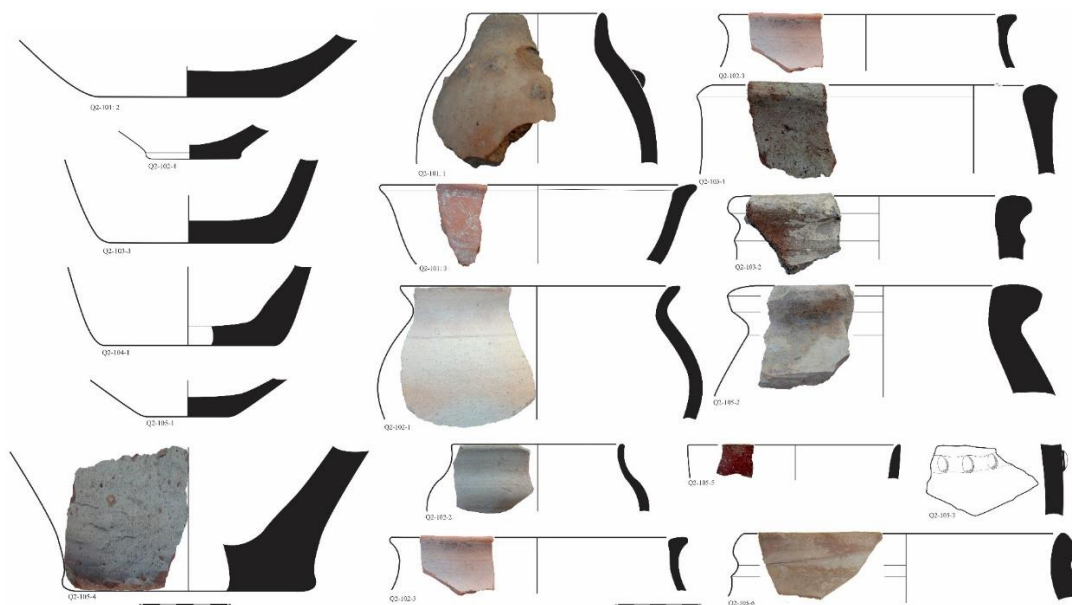
محوطه Q3-111-3-SN-39 در ضلع جنوبی و محوطه 39 SN-3-Q2-103 در ضلع شمالی رودخانه سجاسرود به فاصله ۱۰۰ متری از یکدیگر قرار گرفته‌اند. این دو محوطه در فاصله ۶۰۰ متری غرب روستای بلوین واقع شده‌اند. در بررسی باستان‌شناسی از این دو محوطه تعدادی سفال که دقیقاً مشابه با گونه‌های سفالی به‌دست‌آمده از تپه بلوین هستند، به‌دست آمده است. قطعات سفالی دارای خمیره قرمز، نارنجی و نخودی با پوششی به رنگ آجری و قرمز بوده و به همراه آمیزه کانی هستند. طی سومین فصل کاوش باستان‌شناسی محدوده آبیگر سد بلوین، این دو

پنجمین محوطه با شناسه 39 SN-3-Q2-101، با وسعت حدوداً ۵/۵ هکتار در شیب کوهپایه قرار گرفته و کمتر از ۵۰ سانتی‌متر از سطح زمین‌های اطراف بلندتر است. این محوطه در فاصله ۳۰۰ متری غرب روستای بلوین واقع شده است. روی سطح محوطه قطعات سفالی پراکنده است؛ به‌طوری‌که پراکنش سفال‌ها را می‌توان تا فاصله‌ای بیشتر از پهنه محوطه مشاهده کرد. سفال‌ها دارای خمیره نخودی و قرمز با پوششی به رنگ آجری و قرمز بوده و از مواد کانی به‌عنوان آمیزه در خمیره آن‌ها استفاده شده است. قطعات سفالی این محوطه بسیار شبیه به سفال‌های به‌دست‌آمده از تپه بلوین است (فرشی جلالی، ۱۳۹۴: ۳۶). با توجه به مقایسه سفال‌های این محوطه با محوطه کارقیه و تپه بلوین به دوران تاریخی و اسلامی قابل تاریخ‌گذاری است (شکل ۹ و ۱۰).

محوطه کارقیه (39 SN-3-Q2-102) در کنار جاده آسفالت روستای بلوین و در دره گلابر واقع شده است. این محوطه از شرق به صخره‌های بلند کوه و از جنوب به رودخانه و از غرب به یک مسیل عمیق منتهی می‌گردد. در سمت شرق محوطه، صخره‌ای طبیعی وجود دارد که دقیقاً در پیچ جاده آسفالت قرار گرفته است. در بالاترین قسمت صخره، دست‌کندی تقریباً چهارگوش به قطر حدوداً ۴ متر و عمق حدود ۵ متر وجود دارد که خاک داخل آن را در سال‌های اخیر در جریان حفاری غیرمجاز خارج کرده‌اند. در میان خاک‌ها مقادیری ملات گچی آهکی و سفال دیده می‌شود.

محوطه جهت روشن شدن وضعیت باستان‌شناسی آن‌ها مورد گمانه‌زنی قرار گرفتند. از این محوطه‌ها به‌جز تعداد اندکی سفالی سطحی هیچ‌گونه یافته فرهنگی دیگری به‌دست نیامد. از همین‌رو این دو محوطه از فهرست آثار شناسایی شده خارج شدند. پراکنش سفالی در این دو محوطه احتمالاً توسط عوامل انسانی و طبیعی

پراکنده شده‌اند (شکل ۹ و ۱۰).



شکل ۱۰. نمونه سفال‌های Q2-101-SN-3-39, 39 SN-3-Q2-102 و SN-3-Q2-103

شکل ۹. نمونه سفال‌های Q2-101-SN-3-39, Q2-102-SN-3-39 و Q2-103-SN-3-39

۳. گورستان‌ها
مطالعات باستان‌شناختی در نقاط مختلف جهان بیانگر آن است که موضوع مرگ، جهان آخرت و آداب و سنت‌های مرتبط با آن، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های انسان در فرهنگ‌های گوناگون و ادوار مختلف به‌شمار می‌رفته است (Taylor, 2002). نشانه‌های اهمیت دنیای پس از مرگ در فرهنگ‌های گوناگون را می‌توان در شیوه‌های تدفین و مدفن انسان‌ها که به شکل‌های متفاوتی بروز و ظهور یافته است، جستجو کرد.

بارزترین آثار به‌جای‌مانده از شیوه‌های تدفین در ایران، طیفی متنوع از قبور ساده (هژبری نوبری، ۱۳۸۳: ۲۶۵) تا قبور کلان‌سنگی (Negahban, 1996، خلعتبری ۱۳۸۳)، انواع کورگان‌ها (هژبری نوبری، ۱۳۸۹: ۱۶) در دوران پیش‌ازتاریخ تا آرامگاه کوروش بزرگ و دیگر پادشاهان هخامنشی در پاسارگاد،

روستای قمچقای قدیم با کد شناسه 39 SN-3-Q3-109 یکی از روستاهای متروکه بخش زرین‌آباد است. این روستا در دره اوزن‌دره، حاشیه شرقی رودخانه اوزن‌دره روی شیب جنوبی تپه‌ای صخره‌ای ایجاد شده است. برخی خانه‌ها و بناها که با استفاده از خشت و سنگ ساخته شده‌اند به‌صورت نیمه‌سالم پابرجا هستند. طی دهه ۷۰ خورشیدی این روستا جابه‌جا شده و به محلی با فاصله ۲ کیلومتری شمال آن منتقل شده است که با نام روستای قمچقای شناخته می‌شود. قطعات سفال‌های لعاب‌دار و بدون لعاب از روستای قمچقای قدیم به‌دست آمده که با توجه به مقایسه آن‌ها با سفال‌های به‌دست‌آمده از ری (Treptow, 2007: 27)، تخت سلیمان، آق‌کند (Watson, 2004: 261)، تپه کرسف (ذیفەر، مصطفی‌پور و قنبری، ۱۳۹۵) متعلق به قرون میانی و متأخر دوران اسلامی هستند (شکل ۷).

چهارگوش بدون ملات از کف گور تا سطح است. ساختار سنگ چین برخی گورها به صورت چهارگوش و برخی پنج ضلعی است. گورهای این گورستان بدون سنگ گور است. در پایین شیب تپه و خارج از محدوده گورستان، در کرانه رودخانه قطعاتی از دو سنگ گور قابل مشاهده است که از محل اصلی خود به این نقطه منتقل شده‌اند. بر روی قطعات سنگ گور مذکور کتیبه‌هایی شامل نام، نام خانوادگی و آیاتی از قرآن است. با توجه به وجود تعدادی سنگ گور که در ساخت حمام بلوین به کاررفته و تعدادی اطراف حمام پراکنده است و کاملاً مشابه با دو قطعه سنگ گور گورستان قمچقای قدیم هستند، این احتمال وجود دارد که سنگ گورهای گورستان قمچقای قدیم به عنوان مصالح بنای حمام استفاده شده باشند. با توجه به این که دو سنگ گور موجود در حاشیه گورستان قمچقای قدیم جابه‌جا شده است و شباهت بسیار زیادی با سنگ گورهای اطراف حمام بلوین دارند می‌تواند تأییدی بر این فرض باشد که در هنگام پی‌ریزی بنای حمام یا تعمیر آن، سنگ گورهای گورستان قمچقای قدیم به محل حمام بلوین منتقل شده‌اند (شکل ۱۱).

۴. بناها

در این بررسی ۴ بنا شناسایی شد که شامل آسیاب، حمام و بنای دژ است که در ادامه به معرفی آن‌ها می‌پردازیم.

آسیاب‌های بلوین با شناسه 39 SN-3-Q3-112 در بخش غربی روستای بلوین، در میان باغ‌های حاشیه رودخانه گلابر قرار گرفته‌اند. هر دو آسیاب از نوع آسیاب‌های آبی بوده و با آبی که به وسیله جوی‌های انحرافی از سمت رودخانه به سمت آن‌ها هدایت می‌شده کار می‌کرده‌اند. هر دو آسیاب دارای تنوره سنگی اند که در فاصله کمی از یکدیگر قرار دارند. سنگ‌هایی که برای ساخت تنوره استفاده شده است از نوع ماسه‌سنگ هستند و به صورت مدور تراش داده شده‌اند. به نظر می‌رسد که ملات بین سنگ‌ها از آهک یا گچ است. از یکی از آسیاب‌ها ۱۱ قطعه سنگ و از دیگری ۱۳ قطعه سنگ مدور باقی مانده است. متوسط قطر بیرونی تنوره آسیاب‌ها ۹۰ و ۸۰ سانتی‌متر و متوسط قطر درونی حدود ۴۰ سانتی‌متر است. همچنین بقایای ساختار آسیاب‌ها نیز با مصالح لاشه‌سنگ ساخته شده‌اند و تا حدودی پابرجا هستند. تنوره‌های مذکور در سمت جنوبی دوپشته خاکی قرار گرفته‌اند. پشته خاکی آسیاب غربی دارای دیواره‌ای سنگ‌چین به صورت خشکه‌چین است. در ضلع شمالی پشته‌های خاکی بقایای جوی

نقش رستم و تخت جمشید (گیرشمن، ۱۳۷۱)، قبور خمره‌ای در زمان اشکانی (کامبخش، ۱۳۷۷) و گوردخمه‌های دوره ساسانی (گیرشمن، ۱۳۷۰) را در برمی‌گیرد. نمونه‌های برشمرده، همگی نمودی از تفکر انسان در ادوار مختلف پیش از اسلام در ایران در زمینه مرگ و جهان پس از آن به‌شمار می‌روند. با توجه به اهمیت مرگ و معاد در جهان‌بینی اسلام، نشانه‌گذاری روی قبور امری متداول در دوران اسلامی است. در این میان، سنگ‌قبرهایی با برجستگی فوقانی یکی از شکل‌های رایج قبور در اکثر نقاط ایران است که با ویژگی‌های محلی در گستره‌ای از دوره سلجوقی تا صفوی قابل شناسایی هستند (موسوی کوهپر، خانعلی و نیستانی، ۱۳۹۴: ۱۵۳). در محدوده آبگیر سد بلوین دو گورستان دوره اسلامی شناسایی شد که در ادامه به معرفی و گاهنگاری آن‌ها خواهیم پرداخت.

گورستان بلوین که در بررسی باستان‌شناختی حوزه مورد مطالعه با شناسه 39 SN-3-Q3-102 معرفی شده، در ضلع جنوب شرقی روستای بلوین، بر روی شیب تند ارتفاعات با وسعت حدود ۱ هکتار ایجاد شده است. بیشتر گورهای این گورستان دارای سنگ گور و سنگ‌چین به شکل مستطیل نامنظم هستند. به واسطه ایجاد راه و خاک‌برداری بخش‌هایی از گورستان تخریب شده و از بین رفته است. اهالی امروزی روستای بلوین در ضلع شمالی گورستان مذکور درگذشتگان خود را دفن می‌کنند. در این گورستان و اطراف آن قطعات سفالی شبیه به سفال‌های به‌دست‌آمده از تپه بلوین پراکنده شده است. برخی از گورها دارای سنگ گور و برخی تنها با سنگ‌چین دورگور قابل شناسایی هستند. روی سنگ گورها نوشته‌هایی شامل نام و نام خانوادگی، نام پدر، سال وفات، آیات قرآنی یا دعا کنده‌کاری شده است. واژه بلوین روی بیشتر گورها به‌عنوان پسوند نام خانوادگی متوفی آمده است.

دومین گورستان شناسایی شده در پهنه مورد مطالعه، گورستان قمچقای قدیم است که با شناسه 39 SN-3-Q3-110 معرفی شده است. این گورستان در ضلع غربی روستای قدیم قمچقای به فاصله ۱۶۰۰ متری از آن، روی شیب تند ارتفاعات و سمت چپ رودخانه اوزون‌دره با وسعت حدود ۱ هکتار ایجاد شده است. به دلیل حفاری‌های غیرمجاز در این گورستان تعداد زیادی از گورها تخریب شده و به همین دلیل ساختار گورها قابل مشاهده است. عمق هر گور حدود ۱/۵ متر، پهنای آن‌ها حدود ۱ متر و درازای آن‌ها حدود ۲ متر است. ساختار گورها سنگ‌چین با سنگ‌های

آب که از سمت شرق به غرب امتداد دارد مشاهده می‌شود. بر روی پشته‌های خاکی بقایای جوی آب قابل مشاهده است که به جوی اصلی متصل شده و وظیفه هدایت آب به داخل تنوره‌ها را بر عهده داشته‌اند. در بخش جنوبی تنوره‌ها، بقایای ساختار معماری قابل مشاهده است، اما با توجه به پوشش گیاهی متراکم موجود، وضعیت دقیق آن‌ها مشخص نیست (شکل ۱۲).



شکل ۱۱. سنگ گورهای قبرستان قمچقای قدیم.



شکل ۱۲. موقعیت آسیاب‌های بلوین و حمام بلوین.

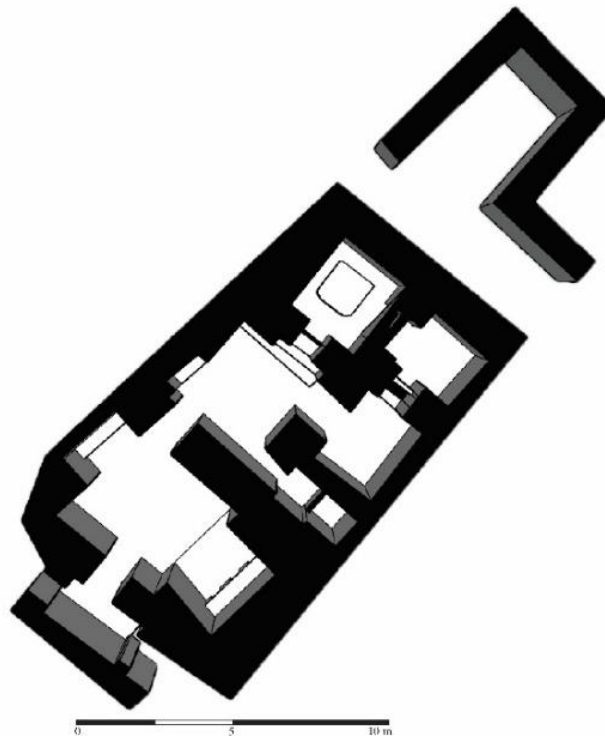
(صحن) منتهی می‌گردد. صحن حمام به سه بخش دیگر متصل است. بخش نخست در ضلع شمال شرقی قرار دارد. این بخش فضای کوچکی را تشکیل می‌دهد که در راستای شمالی جنوبی قرار دارد و به وسیله یک درگاه کوچک به فضای اصلی راه می‌یابد. دومین فضا به همین صورت در ضلع شمال شرقی فضای اصلی و با همان مشخصات فضای اول قرار گرفته است. سقف هر دو فضا به وسیله گنبد‌های کوچک پوشیده شده است.

سومین فضا در ضلع شمالی فضای گنبددار در راستای شرقی غربی ایجاد شده و دارای یک دریچه است که از کف حمام حدود ۱۵۰ سانتی‌متر بلندتر است و دو پله برای دسترسی به داخل فضا دارد. این فضا به عنوان منبع آب (خزین) مورد استفاده قرار می‌گرفته است. سقف این فضا همانند دیگر فضاهای معماری حمام به وسیله گنبد پوشیده شده است. این گنبدها در مرکز دارای یک سوراخ متناسب با اندازه گنبد و فضای داخلی آن بوده که به عنوان نورگیر مورد استفاده قرار می‌گرفته است (شکل ۱۳ و ۱۴). این حمام با سنگ، ملات گِل و گچ ساخته شده است. داخل بنا را با اندود آهک پوشانده‌اند. فضای داخلی فاقد تزیینات معماری است. گنبد ایجاد شده بر روی این بنا به شیوه فیلیوش اجرا شده است. به این صورت که بر روی فضای چهارگوش پس از ایجاد فیلیوش‌ها، گنبد ساخته شده است.

حمام بلوین با شناسه SN-3-Q3-113-39 در ضلع شمال غربی روستای بلوین و بین باغ‌های امروزی اهالی روستا قرار گرفته است. بنای حمام در ضلع شرقی و به فاصله حدود ۵۰ متری رودخانه قرار دارد. این بنا در راستای شمالی جنوبی، به شکل مستطیل ساخته و از دو بخش شمالی و جنوبی تشکیل شده است. بخش شمالی که چسبیده به بنای اصلی حمام است، تقریباً تخریب شده و ویرانه‌های ساختمان آن، در زیر انباشت گیاهان و شاخه‌های هرس شده درختان باغ پنهان شده است. این بخش که حدود ۵ متر طول و ۷ متر عرض دارد، با توجه به موقعیت قرارگیری نسبت به بنای اصلی حمام احتمالاً آتشیخانه حمام بوده است. بخش جنوبی که شامل فضاهای اصلی حمام است ۱۷ متر طول و ۷ متر عرض دارد. ورودی حمام در ضلع جنوب شرقی قرار داشته که احتمالاً به عمده با لاشه سنگ و قطعات شکسته شده سنگ‌قبرهایی که در اطراف پراکنده شده، مسدود گردیده است. راه ورودی که امروزه ورود به داخل حمام را امکان‌پذیر می‌کند، در ضلع جنوب غربی و روبروی ورودی پیشین ایجاد شده است. همین ورودی هم به دلیل انباشت خاک تقریباً مسدود گردیده و به سختی و نیم‌خیز می‌توان وارد حمام شد. پس از گذر از ورودی، یک راهرو مستطیل قرار دارد و پس از آن در قسمت جنوبی و دیواره شمالی راهرو درگاهی کوچک وجود دارد که به فضای بزرگ گنبددار اصلی



شکل ۱۳. تصویر ارتوفتو از حمام بلوین.



شکل ۱۴. پلان حمام بلوین.

آن‌هم از جای خود به حاشیه گورستان منتقل شده است. با توجه به بررسی‌ها و مقایسه‌های انجام‌شده، گورستان‌های دیگری که در نزدیکی بلوین وجود دارند، سنگ گورهای مشابه سنگ گورهای حمام بلوین ندارند. سنگ گورهای اطراف روستای بلوین بسیار ساده‌تر هستند و تنها بر سطح سنگ و یک وجه آن‌ها نوشته‌ها دیده می‌شود و کاملاً با سنگ گورهای اطراف حمام متفاوت هستند. تنها نمونه مشابه، در گورستان روستای قمچقای قدیم دیده شد. احتمال اینکه سنگ گورها از جای دیگر (گورستان روستای قدیم قمچقای) به محل حمام بلوین منتقل شده باشند، دور از انتظار نیست. فرض دیگر این است که، با توجه به این که تعدادی از سنگ گورها دارای کادری‌های بدون نوشته هستند و همچنین یک سنگ که خام و بدون هیچ‌گونه نوشته‌ای است نیز شناسایی شده است، احتمال می‌رود یک کارگاه ساخت سنگ گور در حوالی روستای بلوین تا محدوده روستای قمچقای وجود داشته است. پس از متروک شدن این کارگاه، در زمانی دیگر، مردم از سنگ‌های بدون استفاده برای ساخت‌وساز یا تعمیر بناهای خود استفاده کرده‌اند. پراکندگی این سنگ گورها از روستای قمچقای جدید تا روستای بلوین است.

در ضلع جنوبی حمام و در دیوارهای حمام تعدادی سنگ گور وجود دارد (شکل ۱۵). نوشته‌های سنگ گورهای به‌کاررفته در داخل حمام، تقریباً یکسان و شامل آیات ۲۶ و ۲۷ از سوره الرحمن و آیه ۲۵۵ سوره بقره، مصراع بیت اول شعر در فضیلت مرتضی رضی‌الله‌عنه از الهی‌نامه عطار نیشابوری، تاریخ، نام متوفی و نقوش هندسی و گیاهی است. با توجه به تاریخ‌های نوشته‌شده بر روی سنگ گورها، این سنگ‌ها متعلق به دوره صفوی و بازه زمانی ۱۰۰۷ تا ۱۰۵۷ هجری قمری هستند. همچنین نام روستای بلوین به‌صورت بله‌بین بر روی چند سنگ گور نوشته شده است. سنگ گور متعلق به بانوان دارای نشان قیچی و شانه است. نکته قابل توجه این است که امروزه در کنار مسجد روستای قمچقای جدید سکویی ساخته‌شده که تعدادی سنگ گور شبیه به این سنگ گورها برای ساخت آن استفاده شده است.

روستای قمچقای قدیم که اکنون متروک شده است، در فاصله ۴ کیلومتری شمال غرب روستای بلوین قرار دارد. این روستا گورستانی بزرگ دارد که متأسفانه بسیاری از گورهای آن مورد دستبرد قرار گرفته است. هیچ‌کدام از گورهای گورستان قمچقای سنگ گور برج‌نا دارند و تنها یک سنگ گور شکسته وجود دارد که



شکل ۱۵. طرح سنگ گوری که در استفاده ثانویه، تاریخ ساخت حمام و نام روستا بر آن حک شده است.

بررسی میدانی، ۱۹ اثر شناسایی شد (شکل‌های ۳ و ۴، جدول ۱) که دربرگیرنده قطعات سفالی، بقایای معماری و سنگ‌گورهای پراکنده و برج است. تحلیل تطبیقی داده‌ها، به‌ویژه قطعات سفالی و شواهد معماری، چارچوبی نسبی از توالی زمانی، نوع زیستگاه و پراکنده‌گی مکانی آثار را روشن کرده است. بر اساس مطالعات اولیه سفال‌ها، دوره‌های استقرار شناسایی شده شامل دوران اشکانی، ساسانی و متأخر اسلامی بوده و تاریخ‌نگاری روی سنگ‌گورها، تاریخ دقیق‌تری از برخی محوطه‌ها به‌دست داده است. مطالعه روی این سنگ‌گورها همچنین نشان داد که نام «بلوبین» از دوره صفوی به شکل «بله‌بین» رایج شده است. بررسی تپه‌های باستانی از جمله تپه بلوبین و تپه‌های مجاور، حاکی از استقرارهای متمرکز با ساخت‌وسازهایی از مصالح محلی همچون ملات گلی، لاشه‌سنگ و قلوه‌سنگ است. گونه‌های متنوع سفال‌های به‌دست‌آمده، با انواع تزیین از جمله نقش برجسته، لعاب‌دار و ساده، دلالت بر استمرار سنت‌های سفالی از دوران اشکانی تا اسلامی دارد. از جمله این یافته‌ها، گونه‌ای از سفال خاکستری یا شبه‌سفال خاکستری است که به نظر می‌رسد از سنت‌های عصر مفرغ در قالبی اسلامی تداوم یافته و برای مصارف روزمره مورد استفاده قرار گرفته است. این یافته‌ها اهمیت بازنگری در گاه‌نگاری برخی محوطه‌ها را که حاوی این نوع سفال هستند، برجسته می‌سازد.

دژ روستای قمچقای قدیم با شناسه 39 SN-3-Q3-114 در شمال‌غرب روستای قمچقای قدیم بر بلندی واقع‌شده و مصالح ساخت آن لاشه‌سنگ و ملات گل است. نقشه معماری آن به شکل بیضی بوده که اندازه قطر طولی آن ۴ متر و اندازه قطر عرضی آن ۳ متر از درون بنا است. ضخامت دیواره حدود یک متر و بلندای آن از زمین‌های اطراف کمتر از یک متر است. با توجه با نوع ساخت، موقعیت قرارگیری و ویژگی‌های بومی این بنا، احتمالاً کاربری آن به‌عنوان برج دیده‌بانی بوده است. این بنا کاملاً مشرف بر روستای قمچقای قدیم و مسیر رودخانه اوزون‌دره است. با توجه به این که هیچ‌گونه مواد فرهنگی از اطراف این بنا به‌دست نیامده است و ویژگی‌های خاص معماری ندارد، امکان تاریخ‌گذاری دقیق آن ممکن نیست، ولی به‌صورت کلی با توجه به آثار تاریخی منطقه، می‌توان آن را به سده‌های متأخر دوران اسلامی منسوب کرد.

نتیجه‌گیری

مطالعات باستان‌شناسی انجام‌شده در محدوده آبگیر سد بلوبین به شناسایی مجموعه‌ای متنوع از محوطه‌ها، تپه‌ها، گورستان‌ها و بقایای معماری انجام‌یافته است که بیانگر تنوع فرهنگی، تداوم استقرار انسانی و پویایی فعالیت‌های زیستی، اقتصادی و آیینی در این منطقه از دوران تاریخی تا دوره‌های متأخر اسلامی است. طی

بابک‌راد، جواد، ۲۵۳۵. «آشکده‌های ساسانی طارم و ماهنشان»، سخنرانی‌های پنجمین اجلاس همایش تاریخ و فرهنگ ایران: تاریخ و فرهنگ ایران در زمان ساسانیان، تهران: وزارت فرهنگ و هنر، صص. ۵۰-۴۴.

خدادوست، جواد؛ سیدرسول موسوی‌حاجی، عابد تقوی و شهین علی‌یاری‌گوگی، ۱۳۹۶. «بررسی و مطالعه تحلیلی سفالینه‌های محوطه مالین، شهرستان باخزر (خراسان رضوی)»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۷ (۱۳): ۱۵۷-۱۷۲.

خلعتبری، محمدرضا، ۱۳۸۳. کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های باستانی تالش، تهران: انتشارات پژوهشگاه سازمان میراث‌فرهنگی، رشت: اداره کل میراث‌فرهنگی استان گیلان.

ذیفر، حامد؛ ایمان مصطفی‌پور و بهنام قنبری، ۱۳۹۵. «کرسف محوطه‌ای از دوره اسلامی میانی در شهرستان خداآبده استان زنجان»، پیام باستان‌شناس، ۱۳ (۲۵): ۸۹-۱۱۰.

رئوف، سولماز و ابراهیم رایگانی، ۱۴۰۰. «بررسی یافته‌های فرهنگی (کاشی و سفال) محوطه تاریخی کهنه‌گوراب، شهرستان املش و پیشنهادی برای گاهنگاری محوطه»، مطالعات باستان‌شناسی پارسه، ۵ (۷): ۲۶۴-۲۴۱.

عالی، ابوالفضل، ۱۳۸۱. بررسی و شناسایی آثار باستانی شهرستان ماهنشان، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

عالی، ابوالفضل، ۱۳۸۳. گزارش فصل اول بررسی و شناسایی باستان‌شناسی حوضه آبریز اهررود (شهرستان‌های اهر و خرمدره)، زنجان: مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان زنجان (منتشر نشده).

عالی، ابوالفضل، ۱۳۸۵ الف. گزارش دومین فصل بررسی و شناسایی باستان‌شناسی حوضه آبریز اهررود (شهرستان‌های اهر و خرمدره)، زنجان: مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان زنجان (منتشر نشده).

عالی، ابوالفضل، ۱۳۸۵ ب. «گزارش توصیفی مقدماتی بررسی و شناسایی باستان‌شناختی حوضه آبریز اهررود»، پیام باستان‌شناس، ۳ (۶): ۴۲-۱۷.

عالی، ابوالفضل، ۱۳۸۷. کاوش‌های باستان‌شناسی نجات‌بخشی پشت سد گلابر زنجان، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

عبدی‌کیا، لاله، ۱۳۹۳. «بررسی باستان‌شناختی حوضه سدمراش»، مجموعه مقالات چهاردهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، به‌کوشش حمیده چوبک، تهران: انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، صص. ۶۷۵-۳۴۷.

برخی از گورستان‌های شناسایی شده در این محدوده در دوره‌های متأخرتر، توسط ساکنین برای ساخت‌وساز یا تعمیر بناهایی نظیر حمام بلوین مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند. استفاده از سنگ‌گورها به‌عنوان مصالح ساختمانی، موجب تخریب بخشی از این محوطه‌ها شده است. این موضوع فرضیه استفاده مجدد از مصالح بناهای احتمالی دیگر را نیز مطرح می‌سازد که برای تأیید یا رد آن، مطالعات دقیق‌تری لازم است تا به پرسش‌های مرتبط با الگوهای بازاستفاده پاسخ داده شود.

در سومین فصل کاوش در این منطقه، مشخص شد که دو محوطه با شناسه‌های 39 SN-3-Q2-103 و 39SN-3-Q2-104 علی‌رغم شناسایی اولیه، فاقد استقرار بوده و پراکندگی سفال در آن‌ها احتمالاً به واسطه عوامل انسانی یا طبیعی صورت گرفته است. محوطه‌های شناسایی شده، اعم از استقرارهای هم‌سطح یا کم‌ارتفاع، در پهنه وسیعی از منطقه پراکنده‌اند و از نظر داده‌های فرهنگی، معرف فضاهای عملکردی متنوعی هستند. شباهت ویژگی‌های فرهنگی این یافته‌ها با مناطق تاریخی چون قلعه یزدگرد، بیستون، کنگاور و کهنه‌گوراب، مؤید وجود شبکه‌های ارتباطی و فرهنگی منطقه بلوین با سایر مراکز تمدنی غرب و شمال غرب ایران است. در مجموع، یافته‌های این بررسی ضمن تأیید اهمیت باستان‌شناختی منطقه، بر وجود استقرارهای مداوم و آگاهانه انسانی در بستری طبیعی با مزیت‌هایی چون مجاورت با منابع آبی و ارتفاعات پیرامونی دلالت دارد. پژوهش حاضر تأکید می‌کند که محدوده آبیگر سد بلوین نیازمند کاوش‌های نجات‌بخشی و مطالعات تکمیلی دقیق‌تری است تا امکان بازسازی علمی‌تر الگوهای استقرار و شبکه‌های ارتباطی-فرهنگی در این حوزه مهم را فراهم سازد.

کتاب‌نامه

آخوندی، رضا؛ آراز نجفی و فرزاد مافی، ۱۴۰۱. «بررسی و تحلیل باستان‌شناختی آثار و استقرارهای دوره اشکانی حوزه آبریز قزل‌اوزن در محدوده شهرستان ایجرود»، پیام باستان‌شناس، ۱۴ (۲۶): ۵۱-۷۹.

اصغری سراسکانرود، صیاد؛ حسن مظفری و فریبا اسکندری، ۱۴۰۱. «مدل‌سازی نرخ فرسایش و رسوب رودخانه سجاسرود قبل و بعد از ساخت سد گلابر با الگوریتم‌های یادگیری ماشین»، پژوهش‌های فرسایش محیط، ۱۲ (۲): ۲۰۴-۱۷۲.

آقامحمدی، محمد، ۱۳۷۷. اهر، گذری و نظری، زنجان: زنگان.

- اداره کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان زنجان (منتشر نشده).
- مافی، فرزاد. ۱۳۸۶ ب. گزارش فصل اول بررسی باستان‌شناسی بخش گرماب شهرستان خدابنده (استان زنجان). زنجان: مرکز اسناد اداره کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان زنجان (منتشر نشده).
- مافی، فرزاد؛ محمدرحیم صراف، ۱۳۸۵. «تحلیل باستان‌شناختی آثار و استقرارهای اشکانی حوضه آبریز ابهر رود»، پیام باستان‌شناسی، ۳ (۶): ۱۰۲-۷۵.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹. «سرشماری عمومی نفوس و مسکن»، سالنامه آماری استان زنجان ۱۳۸۹، تهران: مرکز آمار ایران.
- موسوی زنجانی، سید ابراهیم، ۱۳۵۲. تاریخ زنجان، تهران: کتاب‌فروشی مصطفوی.
- موسوی‌کوهرپر، سیدمهدی؛ حمید خانعلی و جواد نیستانی، ۱۳۹۴. «سنگ‌های مزار، نمودی از وحدت مذاهب مختلف اسلامی در ایران: گونه‌شناسی، طبقه‌بندی و مطالعه آرایه‌های سنگ مزارهای نوع گهواره‌ای»، پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، ۵ (۲۰): ۱۵۸-۱۳۹.
- میرفتاح، علی اصغر، ۱۳۷۳. «بررسی و شناسایی قلعه تپه ابهر»، اثر، ۲۲ و ۲۳: ۱۶۸-۱۸۵.
- میرفتاح، علی اصغر، ۱۳۸۱. گزارش مقدماتی فصل چهاردهم کاوش در شهر قدیم سلطانیه، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- میرفتاح، علی اصغر، ۱۳۸۶. گزارش فصل اول بررسی باستان‌شناسی شهرستان ایجرود (استان زنجان). زنجان: مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان زنجان (منتشر نشده).
- نجفی، ارض‌الله، ۱۳۸۶. گزارش فصل اول بررسی باستان‌شناسی بخش گرماب شهرستان طارم علیا (استان زنجان). زنجان: مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان زنجان (منتشر نشده).
- نگهبان، عزت‌الله، ۲۵۳۶. «گزارش مقدماتی دوماهه عملیات حفاری منطقه سگزآباد»، مارلیک، ۱: ۲۴-۱.
- نیک‌گفتار، احمد، ۱۴۰۰. لعاب پاشیده (لکه‌ای) در شهر بلقیس، اسفراین»، خراسان نامک، مقالات باستان‌شناسی، تاریخ و معماری خراسان در نکوداشت مقام علمی استاد رجبعلی لباف‌خانیک، به‌کوشش میثم لباف‌خانیک، با همکاری محمدمهدی امینی‌قمی، تهران: خانه‌اندیشمندان علوم انسانی، صص. ۴۳۲-۴۱۷.
- هژبری نوبری، علیرضا، ۱۳۸۳. «جایگاه کاوش‌های مسجد کبود تبریز در عصر آهن ایران و مقایسه آن با سایر محوطه‌های هم‌عصر»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران: شمال
- عسگریان، مهرداد، ۱۳۸۰. گزارش گمانه‌زنی در قلعه تپه ابهر، زنجان: مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان زنجان (منتشر نشده).
- علی‌بیگی، سجاد و شکوه خسروی، ۱۳۹۱. «باستان‌شناسی پیش‌ازتاریخ استان زنجان»، مجموعه مقالات ۸۰ سال باستان‌شناسی ایران، جلد اول، به‌کوشش یوسف حسن‌زاده و سیما میری، تهران: نشر پازینه و موزه ملی ایران، صص. ۴۸۴-۴۶۹.
- علیزاده، عباس، ۱۳۸۰. تئوری و عمل در باستان‌شناسی، تهران: سازمان میراث‌فرهنگی کشور، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فرشی جلالی، فاطمه، ۱۳۹۴. گزارش بررسی شناسایی محدوده سد بلوبین، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- فرشی جلالی، فاطمه، ۱۳۹۹. گزارش فصل اول کاوش نجات بخشی محوطه روستای بلوبین، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- فرشی جلالی، فاطمه، ۱۴۰۲. گزارش فصل دوم کاوش نجات بخشی محوطه روستای بلوبین، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- فرشی جلالی، فاطمه، ۱۴۰۳. گمانه‌زنی، کاوش و مستندسازی محوطه‌های ۱۰۳، ۱۰۴، قارقه، حمام و آسیاب‌های روستای بلوبین، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- کاظم پورعصمتی، پروین، ۱۳۸۸. گزارش فصل چهارم کاوش تپه نور (پیش از تاریخ)، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- کامبخش‌فرد، سیف‌الله، ۱۳۵۱. «کاوش‌های علمی در کنگاور»، مجله باستان‌شناسی و هنر ایران، ۹ و ۱۰: ۲۳-۲.
- کامبخش‌فرد، سیف‌الله، ۱۳۷۷. گورخمره‌های اشکانی (پیوست شماره ۱ مجله باستان‌شناسی و تاریخ)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کلایس، ولفرام، ۱۳۸۵. محوطه معروف به دامنه پارتی، در بیستون: کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: سازمان میراث‌فرهنگی.
- گیرشمن، رومن، ۱۳۷۰. هنر ایران در دوران پارت و ساسانی، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- گیرشمن، رومن، ۱۳۷۱. هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مافی، فرزاد، ۱۳۸۶ الف. گزارش فصل اول بررسی باستان‌شناسی بخش زرین‌رود شهرستان خدابنده (استان زنجان). زنجان: مرکز اسناد

ولی پور، حمیدرضا، ۱۳۸۸. گزارش فصل اول کاوش تپه خالصه خرم دره، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

Keall, E. and M. Keal, 1981. "Qaleh Yazdigird Pottery: a Statistical Approach", *Iran*, 19: 33-79.

Negahban, E., 1996. *Marlik: The Complete Excavation Report I, II, III*, Philadelphia: The University of Pennsylvania.

Swiny, S., 1975. "Survey in North-West Iran, 1971", *East and West*, 25 (1-2): 77-98.

Taylor, T. F., 2002. *The Buried Soul: How Human Invited Death*, Boston: Beacon Press.

Treptow, T., 2007. *Daily life Ornamented: The Medieval Persian City of Rayy*, Oriental Institute Museum Publications 26, Chicago: The Oriental Institute.

Watson, O., 2004. *Ceramics from Islamic Lands*, London: Thames & Hudson in association with the al-Sabah Collection, Dar al-Athar al-Islamiyyah, Kuwait National Museum.

غرب ایران، به‌کوشش مسعود آذرنوش، تهران: انتشارات پژوهشکده باستان‌شناسی، صص. ۲۷۶-۲۶۵.

هژبری نویری، علیرضا، ۱۳۸۹. گزارش سومین فصل کاوش‌های باستان‌شناختی گورستان باستانی لاریجان منطقه خدآفرین، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

هورشید، شقایق، ۱۳۹۹. «کاوش نجات‌بخشی محوطه جن دره‌سی در حوزه سد مَراش»، مجموعه مقالات کوتاه هجدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، به‌کوشش روح‌الله شیرازی، تهران: انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، صص. ۹۰۴-۸۹۹.

هورشید، شقایق، ۱۴۰۳. «کاوش نجات‌بخشی محوطه MC005 حوزه آبیگر سد مَراش، استان زنجان»، مجموعه مقالات کوتاه بیست‌ودومین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، به‌کوشش معصومه مصلی و محمد مرتضایی، تهران: انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، صص. ۶۷۵-۶۷۲.

وحدتی‌نسب، حامد و محمود حیدریان، ۱۳۸۸. «گزارش مقدماتی بررسی باستان‌شناسی حوزه آبیگر سد تالوار (بیجار)»، پیام باستان‌شناسی، ۶ (۱۲): ۶۸-۵۳.